

مهدی پازوکی، اقتصاددان و فعال سیاسی:

کشور در دست حزب امام صادقی ها

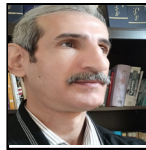


شمس افرازی زاده عضو شورای مرکزی حاما

دانشگاه و مصائب آن؛ زین قصه هفت گنبد افلاک پر صداست

احمد نبوی، دبیر کل حزب همت:

مصوبه حجاب و عفاف به نتیجه نخواهد رسید



هفته نامه غیربرخط اراده ملت شماره ۶۹ چهارشنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۲

استاد حفاظت از ایران

به گفته علی دهباشی، هر رشته‌ای ادبیات خودش را دارد و ادبیات محیط‌زیست مرهون نام هنریک مجنونیان است. کافی است جستجوی کوتاهی راجع به مجنونیان داشته باشیم تا درستی این گفته را دریابیم. بیش از ۵۰ اثر پیرامون محیط‌زیست ایران، از دریا و ساحلش در جنوب تا رشته کوه‌های البرز و زاگرس، این تکرار اثر در عین وحدت رویه صرفاً از یک متخصص بر نمی‌آید. بلکه این عشق و تخصص است که سبب شده تا هنریک مجنونیان را ادیب محیط‌زیست ایران بدانند

صدای زنان در اعتراضات اخیر

نشست «صدای زنان در اعتراضات اخیر» روز دوشنبه ۱۴۰۱/۰۹/۰۷ در مؤسسه رحمان با حضور سیمین کاظمی، جامعه‌شناس و فاطمه علمدار، روانشناسی اجتماعی و پژوهشگر علوم اجتماعی برگزار شد. این دو پژوهشگر ضمن اشاره به تأاری‌های اخیر و بررسی حضور زنان در آن، به روند تاریخی شکل‌گیری جنبش زنان از مشروطه تا امروز و اهمیت مطالبه‌گری و کنشگری زنان در کنار مردان اشاره کردند.

مأموریت حزب در مقابل نحوه تحلیل موقعیت توسط حاکمان

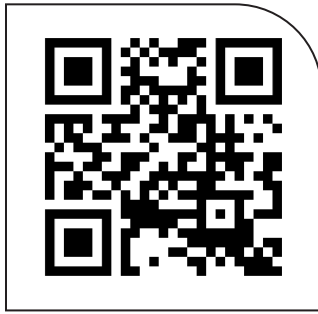
بدون تردید در یکی از سیاه‌ترین دوران‌های سیاسی ایران در موضوع تحلیل از موقعیت به سر می‌بریم سیاه‌ترین از آن جهت که حاکمیت بدون اشاره به این نکته که محصول روشنش چیست و چه تأثیری در سرنوشت مردمان دارد مخاطبان خود را از مجرای مغلطه اغراق و دوگانه‌سازی از یک پدیده گمراه می‌کند تا از قبول مسئولیت در قبال اتفاق‌هایی که می‌افتد و منجر به بروز تهدید علیه منافع ملی می‌شود مصون بماند.

بر صدر نشستن

ناشایستگان

ولی به‌علت نبود شواهد کافی یا ناتوانی در کنار هم قرار دادن قطعات متکثر پازل قابل نشان دادن نبود. تعداد زیاد و البته نامعلومی استاد از دانشگاه‌ها بیرون رفته‌اند و این مشکلی بزرگ و نگران‌کننده است و می‌تواند باعث ضعف و نقصان در نظام دانشگاهی شود. اما کار آن چنان ظریف انجام شده است که نهایتاً سهم متولیان امر در دانشگاه به ۷ قطع همکاری آنهم به‌علت رکود علمی و... کاهش یافته است و طبیعی است که ۷ قطع همکاری عدد قابل توجه‌ای نیست. در نمایی از بالا می‌بینیم که بسیاری از اساتید از دانشگاه بیرون می‌روند یا به بیرون هدایت می‌شوند ولی نهایتاً متولیان وزارت علوم فقط سهمی در حد ۷ نفر را پذیرا می‌شوند و اعلام می‌کنند که جای نگرانی نیست. اما دانشگاه به تدریج از درون هم‌راستا با منویات حاکمیت می‌گردد.

چند هفته‌ای است که مسئله حذف یا اخراج یا تعلیق اساتید دانشگاه‌ها از مهمترین اخبار روز رسانه‌های کشور است و هر کس بسته به اینکه از کدام جایگاه سخن می‌گوید در مورد آن قلم فرسایی می‌کند. نهایتاً در همین روزهای گذشته وزارت علوم اینفوگرافی در این مورد منتشر کرد و به‌طور نسبتاً دقیق نشان داد که در مورد این اساتید ادعایی چه رخ داده است. اینکه پدیده‌ای را دقیق توصیف کنیم قدم اول برای شناخت آن پدیده است و کاری است بسیار بسیار لازم. لذا ما از وزارت علوم ممنون هستیم که در این مورد دست به چنین اقدامی زده و شبهه افکنی و ابهام‌سازی در این مورد را تا حدودی کاهش داده است. اما همین اینفوگرافی می‌تواند شیوه‌ای مالوف اما به‌شدت ناشناخته و نامکشوف را در عرف حکومتداری متولیان امر در ایران نشان دهد. پدیده‌ای که از سالیان قبل رخ می‌داد



هفته‌نامه غیر برخط اراده ملت

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲ / شماره ۶۹



صاحب امتیاز:

حزب اراده ملت ایران

مدیر مسئول:

رحیم حمزه

زیر نظر شورای سردبیری

همکاران این شماره:

راضیه گمار / زهرا کرد / زهره رحیمی

فاطمه قدم / فائزه صدر / فاطمه امامی

مهتاب قصابی / مهشید قاسمی

افشین فرهانچی / پیام فیض / حسن اسدی

حسن غلامی / شمس افزای زاده / کاظم طیبی فرد

علی مجد / علیرضا مالیر

محمد هادی خوشکلام

نشانی:

خیابان اسکندری جنوبی، نرسیده به خیابان آزادی، بن

بست خلیلی پلاک ۱ واحد ۱

تلفن:

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ / ۰۲۱۶۶۵۶۲۳۰۶



این هفته نامه

ارگان رسمی حزب اراده ملت است

به جای مقدمه: شهریور، ماه آخر تابستان
کلام مدیر مسئول: چه باید کرد؟ تقایل یا تعامل
سخن سردبیری: بر صدر نشستن ناشایستگان
گفت‌وگوی ویژه: دانشگاه و مصائب آن؛ زین قصه هفت گنبد افلاک پر صداست

۷..... نوشتار

صدای توده‌های مردم راهگشاست
مأموریت حزب در مقابل نحوه تحلیل موقعیت توسط حاکمان

۱۰..... گزارش

استاد حفاظت از ایران
صدای زنان در اعتراضات اخیر

۱۴..... اندیشه

یوز ایرانی نماد آموزش محیط زیست در ایران
انواع اخلاق‌گرایی فلسفی و کاربرد آنها در "اخلاق حرفه‌ای"

۱۹..... گفتگو

کشور در دست حزب امام صادقی‌ها.
مصوبه حجاب و عفاف به نتیجه نخواهد رسید

۲۴..... تاریخ احزاب سیاسی ایران (۱۲):

۲۷..... جهان در هفته‌ای که گذشت (۶۸)

۳۲..... اخبار حزب

جلسات حوزه‌ها به سمت حضوری شدن می‌رود
به زودی دو کتاب جدید از انتشارات حزب اراده ملت به چاپ خواهد رسید
ابراز نگرانی دفتر سیاسی حزب از برخورد با اساتید و دانشجویان دانشگاه‌ها
گردهمایی سالانه حزب باز هم به تعویق افتاد

۳۵..... صفحه آخر: نوچه‌گری و نوچه‌پروری

۳۶..... بخش گزیده: معرفی و پیشنهاد

(بعضی از مطالب این نشریه گردآوری می‌باشد و بسیاری از عکس‌ها از سایت‌های مختلف برداشته شده است. از همه تهیه‌کنندگان اولیه تشکر می‌نمائیم)



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

به جای مقدمه

شهریور، ماه آخر تابستان

ابراهیم گلستان در صدویک سالگی درگذشت. گلستان آینه تمام قد جریان روشن فکری ما بود؛ با تمام خوبی ها و بدی هایش؛ با تمام هیبوط و سقوط هایش؛ و با تمام اوج و حسیض هایش. اولین کتابش "آذر ماه آخر پاییز" نام داشت و وی در شهریور آخرین ماه تابستان رفت. در این شماره از دوهفته نامه اراده ملت نگاهی متنوع داریم به موضوعاتی در باب دانشگاه و مصائب آن، مأموریت احزاب، آموزش محیط زیست، انحصار گرایی، صدای توده های

مردم و زنان، اخلاق گرایی فلسفی و نهایتاً فرهنگ نوچه پروری. در بخش معرفی و پیشنهاد نیز علاوه بر پیشنهادات صورت گرفته، نگاهی داریم به زندگی و زمانه پریگوژین بنیان گذار گروه واگنر در روسیه. مصاحبه هایی نیز داشته ایم با جنابان نبوی و پازوکی در باب تحزب و اقتصاد و مسائل روز. برای همه شما خوانندگان عزیز آرزوی بهروزی و پایداری و امید داریم.

چه باید کرد؟ تقابل یا تعامل



رحیم حمزه

rahimhamzeh@gmail.com

قانونی اعتراض را به رسمیت شناسد و به عنوان فرصتی برای طرح مسئله و ارائه راه حل مغتنم شمارد، در عمل آنچه کمابیش شاهد هستیم و بیشتر به چشم می خورد و آزار دهنده، پاک کردن صورت مسئله است.

در عمل آنچه کمابیش شاهد هستیم و بیشتر به چشم می خورد و آزار دهنده، پاک کردن صورت مسئله است.

باید توجه داشت که پاسخ چه باید کرد حاصل آن می شود مگر از راه تعامل و نه تقابل، به شرط آنکه هر دو طرف بخواهند که اگر نخواهند بحث دیگری است که در این مقال و مجال نمی گنجد.

در دو نوشتار پیشین به تفکیک و اختصار، تقابل اراده ها و منطوق های مردم و حکومت بیان گردید، البته قبلاً به راه کار برون رفت از این وضعیت هم از طریق جایگزینی تعامل با تقابل اشاراتی شده، لکن توجه به ماهیت این تقابل که امری است طبیعی در همه نظام های سیاسی می تواند ایضاً به روشی به راه کارها بدهد. در این وضعیت ما از یک سوء حکومت را داریم که همه ابزارهای قانونی اقتدار را در اختیار دارد ولی مردم کمترین امکان برخورداری از چنین ابزارهایی را دارند و این امر علاوه بر افزایش هزینه تقابل، فرصت جایگزینی تعامل را هم به نوعی به محاق می برد. تبعاتش هم که معلوم است حکومت به تدریج مشروعیت خود را در ذهن مردم از دست می دهد و به اتفاقات مصیبت باری دامن می زند که از قضا به طور مستقیم متوجه مردم است.

از این روست که دلسوزان این ملک و ملت در اندیشه چاره جویی و در پی یافتن پاسخ پرسش بنیادین «چه باید کرد» هستند، اگر چه این دغدغه نیز علی رغم پیش بینی هایی که در همین قوانین و مقررات موجود شده، در برخی موارد، خود مشمول هزینه گزاف می شود. دو سوی این تقابل به جای اینکه با اتخاذ شیوه گفتگو بر سر منافع و مصالح، هدف غایی تقویت تعامل را دنبال کنند و به ویژه حکومت که شیوه های



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

بر صدر نشستن ناشایستگان

در سخن سردبیری این شماره به سه موضوع حذف اساتید از دانشگاه، حضور افرادی نامتناسب در کسوت استادی و بحث مهاجرت نیروی انسانی از ایران خواهیم پرداخت.

چند هفته‌ای است که مسئله حذف یا اخراج یا تعلیق اساتید دانشگاه‌ها از مهمترین اخبار روز رسانه‌های کشور است و هر کس بسته به اینکه از کدام جایگاه سخن می‌گوید در مورد آن قلم‌فرسایی می‌کند. نهایتاً در همین روزهای گذشته وزارت علوم اینفوگرافی در این مورد منتشر کرد و به‌طور نسبتاً دقیق نشان داد که در مورد این اساتید ادعایی چه رخ داده است. اینکه پدیده‌ای را دقیق توصیف کنیم قدم اول برای شناخت آن پدیده است و کاری است بسیار بسیار لازم. لذا ما از وزارت علوم ممنون هستیم که در این مورد دست به چنین اقدامی زده و شبهه افکنی و ابهام‌سازی در این مورد را تا حدودی کاهش داده است. اما همین اینفوگرافی می‌تواند شیوه‌ای مألوف اما به شدت ناشناخته و نامشکوف را در عرف حکومتداری متولیان امر در ایران نشان دهد. پدیده‌ای که از سالیان قبل رخ می‌داد ولی به‌علت نبود شواهد کافی یا ناتوانی در کنار هم قرار دادن قطعات متکثر پازل قابل نشان دادن نبود.

تعداد زیاد و البته نامعلومی استادان دانشگاه‌ها بیرون رفته‌اند و این مشکلی بزرگ و نگران کننده است و می‌تواند باعث ضعف و نقصان در نظام دانشگاهی شود. اما کار آن‌چنان ظریف انجام شده است که نهایتاً سهم متولیان امر در دانشگاه به ۷ قطع همکاری آنهم به‌علت رکود علمی و... کاهش یافته است و طبیعی است که ۷ قطع همکاری عدد قابل توجه‌ای نیست. در نمایی از بالا می‌بینیم که بسیاری از اساتید از دانشگاه بیرون می‌روند یا به بیرون هدایت می‌شوند ولی نهایتاً متولیان وزارت علوم فقط سهمی در حد ۷ نفر را پذیرا می‌شوند و اعلام می‌کنند که جای نگرانی نیست. اما دانشگاه به تدریج از درون هم راستا با منویات حاکمیت می‌گردد.

این پدیده را مکرر در حوزه احزاب، مطبوعات، نهادهای هنری و هنرمندان، سازمان‌های مردم‌نهاد و... دیدیم؛ و وقتی دقیق پیگیری شده است معلوم شده فقط دو حزب منحل شده‌اند یا چند مطبوعه بسته شده است یا چند هنرمند ممنوع‌الکار شده‌اند که در مقابل کلیت احزاب و مطبوعات و هنرمندان، عددی محسوب نمی‌شود و نباید نگران بودن و تقصیر حکومت و متولیان امر نیز نیست.



بحث تدریس آقایان حدادیان، ثابتی و موزون در دانشگاه‌ها، این روزها پای ثابت گنده‌های فضای مجازی است و از زاویه‌های مختلف مورد واکشافی و موشکافی قرار گرفته است. واکنش‌های مختلفی نیز له و علیه این آقایان صورت گرفته و پای خیلی از مسائل غیر مرتبط نیز وسط آمده است.

اما نکته‌ای که کمتر بدان پرداخته شده این است که استادی یک امر مولتی دیسیپلینری یا چندساختی است و فقط داشتن دانش یا مهارت در مورد یک موضوع نمی‌تواند رای استادی را بر تن فردی بپوشاند. هستند افراد بسیار با اطلاعات یا با مهارت که نمیتوانند مدیریت لازم برای حضور در کسوت استادی را داشته باشند. در تمام دنیا مرسوم است که از ایشان در قالب‌های مختلف و نه استاد کردن ایشان، برای توانمند کردن بیشتر دانشجویان بهره گرفته می‌شود. مثلاً می‌توان وقتی به بحث در مورد اشعار مداحی رسید، استاد مربوطه فردی مانند سعید حدادیان را به کلاس دعوت کند تا از تجربه یا دانش ایشان بهره ببرد یا حتی در فوق برنامه‌ها یا برنامه‌های ضمیمه از ایشان و مشابه ایشان بهره جویید.

آموزش و پژوهش به‌عنوان دو رکن اصلی دانشگاه دهه‌ها نکته ریز و درشت دارد

که در توان بسیاری از افراد نیست و یا لااقل آموزش مناسب در آن زمینه را ندیده‌اند. همان گونه که ما یک پزشک را به صرف دانش‌اش تبدیل به یک مدرس بهداشت در دبیرستان نمی‌نمائیم و اگر به دانش‌اش احتیاج داشته باشیم او را در قالب سخنران به مدرسه دعوت می‌نماییم.

اما در این میان هدف ظاهراً چیز دیگری است، همان گونه که سال قبل شاهد بودیم فردی در کسوت روحانیت به صرف عضویت در یکی از گروه‌های آموزشی به ریاست دانشکده پیرا پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز رسید، اینجانب هدف تغییر کار کرد دانشگاه در راستای منویات حاکمیت است. این پدیده با ذات استقلال دانشگاه در تناقض است و از همین رو است که در همه جا مطرود شناخته می‌شود. و گرنه هر فردی که در حوزه‌ای مهارت یا دانش دارد می‌تواند و باید برای افزایش مهارتی و دانشی دانشجویان مورد استفاده قرار گیرد.



۳

مهاجرت نخبگان پدیده امروز جامعه ایران نیست، در دویست سال اخیر ماهواره با این پدیده روبه‌رو بوده‌ایم. از آن زمان که مردم ایران متوجه شدند دنیای دیگری نیز هست که می‌توان در آن آزادانه‌تر و راحت‌تر زیست نمود، بسیاری کوله بر بستند و راه هجرت پیش گرفتند. شاید اگر ما ته دنیا بودیم این پدیده به شیوه دیگری رخ می‌داد، شبیه به آنچه در آمریکای بینیم. این مهاجرت گرچه به‌جز مزایای فردی، مزایایی نیز برای کشور داشته است اما در یک نگاه کلان‌تر ضررهای آن بیش از فایده‌اش است و طبعاً بر حاکمیت است که در حد امکان آن را کاهش دهد. قدم اول در این مسیر توصیف دقیق پدیده‌ای است که رخ می‌دهد و قدم دوم شناخت عواملی که باعث این پدیده می‌شود و در قدم‌های بعدی مشخص‌سازی راهکارها و عملیاتی نمودن آن قرار دارد. دولت مردان و متولیان امور در همان قدم اول دچار مشکل هستند. در ماه‌ها و هفته‌های گذشته رسانه‌هایی نظیر همشهری، فارس، رسالت، جام جم و باشگاه خبرنگاران جوان که همه متعلق به طیف اصول‌گرا هستند بدون ارائه دلایل و مستندات مشخص، آمار مهاجرت کارکنان نظام سلامت را مخدوش، جعلی، اغراق شده، هدفمند و توطئه گرایانه دانستند و این گونه وانمود کردند که انگار یا مشکلی وجود ندارد یا اگر دارد اهمیتی ندارد.

حاکمیت چون در همان قدم اول یعنی توصیف دقیق پدیده به بن بست خورده است، طبعاً صحبت در مورد قدم‌های بعدی بی‌مورد است. هنوز هم هیچ کار دقیق و کارشناسی شده‌ای در باب توصیف علمی و مستند پدیده مهاجرت صورت نگرفته است. طبیعی است که این کار نمی‌تواند در شرایط فعلی توسط نهادهای غیر حاکمیتی که به اطلاعات و آمار دسترسی ندارند صورت بگیرد و این وظیفه حکومت است که با کمک کارشناسان لااقل اطلاعات و آمار و مستندات لازم را تهیه نماید تا ما اصلاً بدانیم مشکلی هست یا نه؟ و بعد به بقیه مسئله بپردازیم.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

دانشگاه و مصائب آن؛ زین قصه هفت گنبد افلاک پر صداست



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

مدت هاست آهنگ خدایی کرده اند و خود را کار گشای دو جهان دانسته و حیات و ممات مردم را به دست گرفته و علم و دانش و جایگاه رفیع دانشگاه را عمده و ملعبه دست استبداد کرده و دیگر بار از حنجره دیودر نشان دمی نوبر خاسته و دانشگاه را به غمی نو مبتلا نموده اند. باغ و بهار دانش را به تطاول و تاراج خزان برده و از مزرعه وجودشان بذرو خوشه مصیبت به جامعه نشان داده اند.

این جماعت اشتباهی عجیب دارند در ماهیت زدایی از نهادهای مدرن و مدنی. از مجلس و انتخابات گرفته تا هنر و فرهنگ و حتی نهادهای سنتی مانند حوزه می خواهند دانشگاه را از معنا و ماهیت و فلسفه وجودی تهی کنند. بدعتی که سال هاست جماعت اندیشه کش و قلم بستیزان در دانشگاه رواج داده اند، امروزه به اوج پداهت و فضاخت خود رسانده اند امروزه با اخراج استادان عالم و جذب خارج از قاعدهی سرهنگ های عرصه فرهنگ، دانشگاه را به تصرف خود در می آورند و به عرصه فتوحات خود می افزایند. و دانشجورا از پرسیدن و پویدن باز می دارند.

منطق و عقل حکم می کند که از نهاد دانشگاه جز خردورزی تمنای دیگری نداشت اکنون که تیر طعنه و سنگ فتنه نهاد علم و استادان دانشگاه را آماج حمله قرار داده باید اندیشه ی دیگر کرد و رأی دیگری. و باید جلوی این ستم آشکار ایستاد و تا توانایی هست این خواست عمومی را طلب باید کرد.

به قول حضرت سعدی:

هنوز با همه در دم امید در مان هست

که آخری بود آخر شبان یلدارا

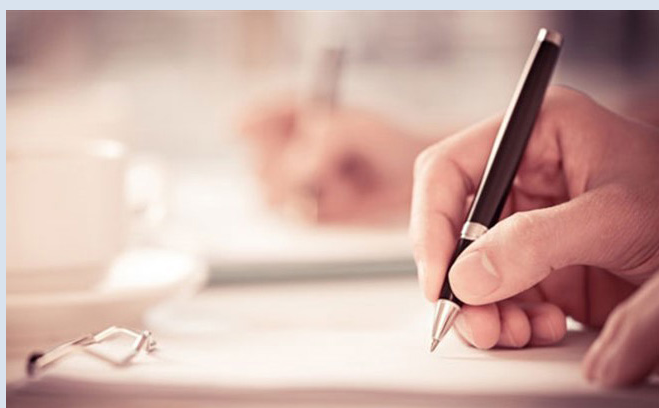
در این شماره نشریه اراده ملت گفت و گوی ویژه نداریم، به جای آن آخرین مقاله آقای شمس افرازی زاده رئیس دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران که در هشتم شهریور ماه در سایت زیتون انتشار یافته است را باز نشر می دهیم. افرازی زاده در این مقاله به مسئله حذف اساتید از دانشگاه که مسئله بر جسته شده این روزهای دانشگاه می باشد، می پردازد.

دانشگاه مکان مقدس فراگیری علم و دانش است و علم و دانش چراغی است برای روشن سازی راه آینده دانشگاه بر تاریکخانه ذهن آدمی نور معرفت می افکند. دانشگاه محیط مساعدی برای تبادل و تضارب آرا و فکر و اندیشه است. متأسفانه با شروع انقلاب فرهنگی خصوصاً در این چهار دهه، بدعت های غلطی ایجاد و در این محیط که باید تولید علم و زایش اندیشه چونان چشمه ای جوشان در جریان باشد، قابله های قرون وسطایی نطفه و جنین اندیشه را سقط و خردورزان و اندیشمندان بی پناه را با حرف های ناگفته و لب های دوخته و آتش ناخورده با دهان سوخته به دست گز مه گان فرهنگی به تیغ و تبر دشمنه می سپارند.

جماعتی که نه دغدغه دانش دارند و نه غم استاد. زهر در کاسه دانشجو می کنند و جگر طایفه علم را می سوزانند، از کوی دانشگاه تا اعتراضات ۸۸ و پیش و پس از آن تا به اکنون بارهای بار، لایالی کرده اند و دفتر دانایی پاره کرده و با آتش عصیان و غایت جهل مشتب بر پیکر اندیشه کوفته و حرمت دانشجو و استاد را شکستند و دانشگاه را خراب و از گرد و خاکستر خرابی آن تیمم کردند. جماعت قلیلی که فراتر از قییم مایی، کعبه را پشت خداوندی خود گم کرده و



نوشتار





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹۵

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

صدای توده های مردم راهگشا است



علی مجدم

mailto:Mo.mojaddamali@yahoo.com

بسیار مهمی در اصلاح و بهبود حکومت کشورشان می باشد. لذا تقویت صدای توده مردم به عنوان یک عامل سرعت بخش قوی برای تغییر عمل می کند و پتانسیل خوبی برای پاسخ گویی و حساس تر کردن مؤسسات عمومی دارد. تقویت این صداها در محیطی که دولت به شکل ارائه کننده انحصاری خدمات فعالیت می کند بسیار با اهمیت می باشد.

در حکمرانی خوب بین سه رکن اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی ارتباط نزدیکی وجود دارد

مردم ابزار و هدف توسعه هستند. اما قدرت، منابع و منافع آنها متفاوت است و چنانچه دولتی بخواهد کارآمد باشد باید نماینده و پاسخ گوی همه آنان باشد. در حکمرانی خوب بین سه رکن اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی ارتباط نزدیکی وجود دارد با ورود شهروندان یا به مفهوم سازمان یافته تر آن، جامعه مدنی، به عرصه تصمیم گیری و سیاست گذاری، جریان اداره کشور از یک نظام اقتدارگرا و آمرانه به فرایندی مردم سالار و مشارکتی تبدیل خواهد شد. احزاب، آزادی های بیان، انجمن ها، گروه های صلح آمیز و حق مشارکت در امور عام از جمله حقوقی اند که امکان بسیج مردمی را برای برآوردن تغییرات مثبت فراهم می کند. ما تنها و تنها می توانیم از دانش و خرد همگانی سود ببریم. بنابراین قبل از اینکه تصمیمی بگیریم باید به صدای همه گروه ها من جمله به صدای افراد به حاشیه رانده شده گوش بدهیم. بسیاری از متفکران و منتقدان سیاسی معتقدند خواست، اراده و همت هر ملتی عامل



مأموریت حزب در مقابل نحوه تحلیل موقعیت توسط حاکمان



حسن اسدی



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

برای نمونه آنچه که همین که در خصوص ورود و حضور در پیمان هایی چون شانگهای و بریکس مطرح می شود و به بوق و کرنا گذاشته می شود که می توانیم از طریق ورود در آنها تحریم های آمریکا را بی اثر بسازیم نمونه بسیار زنده ای از دوگانه سازی می باشد که در آن از طریق سخنان بی پایه ای که مسئولان ارائه می دهند مجموعه های گول زنی چون بریکس و یا شانگهای بیهوده بزرگ نشان داده می شوند و با بیان نکات منفی از ارتباط با آمریکا و تأثیری که این ارتباط در استقلال اقتصادی جامعه می تواند داشته باشد داشتن ارتباط با آمریکا منفی جلوه داده می شود تا کسی جرئت طرح سؤال و یا حمایت از آن را نداشته باشد و یا زمانی که مسئولان از دست آورده ای موشکی سخن به میان می آورند و آنها را مایه امنیت ملی ما معرفی می کنند به نوعی دست به تبلیغات اغراق آمیزی می زنند که در پوشش آن مخاطب یادش می رود که با صرف هزینه های سنگین و تمرکز شدید و غیر لازم همه دستگاه مالی در موضوع صنعت نظامی دیگر امور جامعه فراموش می شود و تازه خود این رهآورد ها هم در شعاع فقر و نداری ملی گم می شوند و تأثیری در امنیت داخلی و منطقه ای نمی گذارند و قص علی هذه. عزیزان من نمی گویم حزب به عنوان یک جریان بالنده تاریخی می باید همه موجودیت خود را در سید ارائه تحلیل درست و واقع بینانه بگذارد و با ابرام غیر لازم خود را مستقیماً به دم تیغ انتقام دستگاه بفرستد اما در عین حال حزب وظیفه تاریخی دارد که به عنوان یک جریان مولد فکر و روشنگر در مقطع بسیار حساس و حیاتی کنونی به هر زبان ممکن بگوید که با این شیوه ها آشناسنت و با آنالیز آنها حداقل خود را از زیر بار مسئولیت اخلاقی و تعهد سیاسی موضوع خارج می کند تا بتواند از خود چهره مطلوبی را به اعضا و مخاطبان اجتماعی خود ارائه دهد.

حزب وظیفه تاریخی دارد که به عنوان یک جریان مولد فکر و روشنگر در مقطع بسیار حساس و حیاتی کنونی به هر زبان ممکن بگوید که با این شیوه ها آشناسنت و با آنالیز آنها حداقل خود را از زیر بار مسئولیت اخلاقی و تعهد سیاسی موضوع خارج می کند

همچنین حزب باید بداند که اگر در مقابل این روند خطرناک سکوت کند و با این مشی به نوعی همراه سیستم گردد دیر نخواهد بود که نسل های آینده اعتماد لازم را بدان نخواهند کرد و از کنار نام آن به آسودگی خواهند گذشت.

بدون تردید در یکی از سیاه ترین دوران های سیاسی ایران در موضوع تحلیل از موقعیت به سر می بریم سیاه ترین از آن جهت که حاکمیت بدون اشاره به این نکته که محصول روشنش چیست و چه تأثیری در سرنوشت مردمان دارد مخاطبان خود را از مجرای مغلظه اغراق و دوگانه سازی از یک پدیده گمراه می کند تا از قبول مسئولیت در قبال اتفاقی هایی که می افتد و منجر به بروز تهدید علیه منافع ملی می شود مصون بماند. همان گونه که دوستان مستحضرن در شرایط فعلی جهان آنجا که صفت بندی ها دقیقاً بر مبنای تشخیص منافع ملی و ابرام بر تأمین و تحقق آنها به انجام می رسد و در هیچ جایی و توسط هیچ دولت با برنامه و آینده نگری منافع ملی به اما و اگر و شاید و احتمال سپرده نمی شود آنچه که از سوی دستگاه حاکمه ما به وقوع می پیوندد در عمل اقدامی است که به هیچ عنوان بر محوریت منافع ملی ما شکل نمی گیرد و استوار نمی گردد. خوب در چنین شرایطی مأموریت حزبی که خود را موظف می داند که در برابر بازی با منافع ملی سکوت نکند و بی تفاوت نباشد باید بر این محور استوار گردد که ابتدا با ارائه تحلیل های مبتنی بر واقعیت های موجود داخلی و خارجی (منطقه ای - جهانی) ابزار هایی چون **مغلظه** را که از طریق به کار بردن بحثی بی ربط با موضوع، لباس تمثیلی نادرست و بازی با احساسات مخاطب سعی می شود تا واقعیتی ناشناخته بماند؛ و یا **مصلحت** با این بهانه که در موضوع با اهمیتی با این عنوان که اگر این موضوع منتشر شود ممکن است آبروی مسئولی برود و یا خدش های بر نظام وارد آید؛ و یا **اغراق** که با بزرگ نمایی دست آوردی و یا حضور در موقعیت بسیار خطرناکی به ابزاری تبدیل می شود که حکومتیان از طریق به کار بردن آن مانع از گردهمایی و بیان مطالبات دقیق و حیاتی جامعه می شوند؛ و یا **دوگانگی** که با برجسته کردن و ترویج دیدگاه مثبت از پدیده ای که منفی است ولی می شود با مثبت نشان دادن آن اهداف پیدا و پنهانی را دنبال کرد و یا باور و ذهنیت خاصی را به مخاطب تزریق کرد تا در لوای آن او متوجه نشود که چه بر سرش رفته و می رود؛ معرفی و از کار بیندازد تا در گام بعدی بتواند مانع از توفیق دستگاه تبلیغاتی حکومت شود که خود را موظف می داند آنچه را که سیستم می خواهد به مردمان القا کند.

باید به خاطر داشت که انفعال در این مأموریت باعث می شود تا مردم با تبدیل شدن به ابزار اقدام و عمل حاکمیت خود با دست خود منافع ملی را نابود سازد ممکن است مسئولان و هواداران حزب عنوان بدارند که دست زدن به چنین اقدامی و یا ارائه تحلیلی به این سبک می تواند هزینه هایی را بر حزب تحمیل کند و این ترس را به دنبال داشته باشد که با ورود در چنین میدانی خود را در مقابل حکومت قرار می دهیم اما این عزیزان باید به خاطر داشته باشند که در مقطع و موقعیت کنونی شرایط حاکم بر جامعه چنان بغرنج و در هم است که اگر حزب به این مأموریت دست نزنند و یا وارد در این چالش نشود در فردای تاریخ گواهی بر درستی اعمال خود نخواهد داشت.



گزارش



استاد حفاظت از ایران



زهرا کورد

kord.zari1@gmail.com

به گفته علی دهباشی، هر رشته‌ای ادبیات خودش را دارد و ادبیات محیط‌زیست مرهون نام هنریک مجنونیان است. کافی است جستجوی کوتاهی راجع به مجنونیان داشته باشیم تا درستی این گفته را دریابیم. بیش از ۵۰ اثر پیرامون محیط‌زیست ایران، از دریا و ساحلش در جنوب تا رشته کوه‌های البرز و زاگرس، این تکرار اثر در عین وحدت رویه صرفاً از یک متخصص بر نمی‌آید، بلکه این عشق و تخصص است که سبب شده تا هنریک مجنونیان را ادیب محیط‌زیست ایران بدانند. در ششصد و نود و پنجمین شب از شب‌های بخارا که به همت مجله بخارا، مجله صنوبر و انجمن کوهنوردان ایران در خانه هنرمندان تهران برگزار شد، به بخش‌های دیده نشده‌ای از زندگی این مؤلف فرهیخته پرداختند.

اولویت زندگی

در آغاز، دکتر باریس مجنونیان برادر استاد، به ذکر خاطراتی از کار بی پایان ایشان پرداخت. کارهایی که به خواست خودشان در اولویت زندگیشان بودند. دانشجویان، تحقیق، ترجمه، تألیف و در یک کلام برای کاری که عاشقش بود زندگی می‌کرد.

استفاده از واژگان پارسی نظیر رهیافت، بوم آورد و چشم‌انداز در موضوعات تخصصی، نشان از عرق و آگاهی ایشان به ایران و زبانش بود

کتابی برای همه

سپس مهندس بهرام زهزاد از دوستان و همکاران ایشان با معرفی مجموعه ۳ جلدی مجنونیان، افسوس خورد که چرا چنین مجموعه سترگی دیده نشده و صرفاً در کتابخانه‌های سازمان محیط‌زیست آن هم در تعداد اندک خاک می‌خورد. وی ضمن بیان تلاش‌های بی پایان مجنونیان برای نگارش و جمع‌آوری مطالب کتاب‌هایش، گمنامی و مورد استفاده قرار نگرفتن آنها را کفر نعمتی خسران آور دانست.

محیط‌زیست، یک مسئله اجتماعی

در بخش دیگری از نشست، دکتر افشین دانه کار دانشجوی سابق مجنونیان، که بعدها در کسوت همکار استاد بود به بیان خاطراتی از ایشان پرداخت. وی که بخشی از تحصیلاتش را در دانشگاه گرگان گذرانده بود و واحدهای صبح تا عصر استاد مجنونیان را به یاد داشت، به توانایی شگرف این مرد در تدریس و عشق بی‌پایانش به دانشجویان اشاره کرد. هم چنین معتقد بود که هنریک مجنونیان، نه یک فرد که یک مکتب فکری بود.

مکتبی که به‌جای اولویت گذاشتن تعهد بر تخصص، تخصص با عشق را جان مایه تمامی آثارش قرار داد و به شاگردانش نیز آموخت. دانه کار ضمن بیان جنبه‌های مختلف تحقیقات میدانی ایشان در حوزه حفاظت محیط‌زیست ایران، پیشنهاد کرد که سال‌مرگ این استاد پیش‌کسوت، "روز معلم محیط‌زیست" نام‌گذاری شود و هر ساله در این روز جایزه ویژه مجنونیان به افراد واجد شرایط تقدیم شود تا شاید به این شیوه بتوان راه و نام هنریک مجنونیان را گرامی داشت.

زبان فارسی در خدمت محیط‌زیست

در ادامه سعید یلقی که افتخار تلمذ مکتب مجنونیان را داشت از آق قلا گرگان به این شب دعوت شده و به ایراد سخنرانی پرداخت. وی ضمن بیان جنبه‌های تخصصی ایشان، به کلاس‌های درس متفاوت او اشاره کرد. کلاس‌هایی که پس از پایان ساعت در مسیر دانشگاه تا محل اقامت ایشان با همراهی دانشجویان و پاسخ‌گویی گرم و بی دریغ ایشان همراه بود. او به تلفن همیشه در دسترس استاد برای دانشجویانش اشاره کرد. دکتر شیوه خاص مجنونیان برای نگارش را نوآوری بی‌بدیلی در حوزه محیط‌زیست می‌دانست. استفاده از واژگان پارسی نظیر رهیافت، بوم آورد و چشم‌انداز در موضوعات تخصصی، نشان از عرق و آگاهی ایشان به ایران و زبانش بود. موضوعی که توسط شاگرد دیگر استاد، حمیدرضا حیدری نیز بیان شد.

ایرانیان ارمنی؛ نه ارمنیان!

عباس محمدی دبیر انجمن کوهنوردان ایران، به نقش برجسته ایرانیان ارمنی در علوم و فنون مختلف اشاره کرد. این فعال حوزه کوهستان به محتوای غنی که مجنونیان در اثر مطالعات پر شمارش راجع به کوهستان‌های ایران داشت پرداخت و به بهره‌بردن از این محتوا در مسیر ملی کردن دماوند اذعان داشت. محمدی ضمن اشاره به آثار مجنونیان در حوزه حفاظت از کوهستان، انرژی و استمرار پایان‌ناپذیر استاد را در تألیف و نشر کتاب حتی در سال‌های پایانی عمر و بیماری بی‌نظیر می‌دانست. دبیر انجمن کوهنوردان ایران به کیش پرستش سنگ و الفت دیر پای ارمنیان نسبت به کوهستان اشاره کرد و معتقد بود که شاید این علاقه و پشتکار هنریک از نیاکانش به ارث برده شده است.

دانشنامه بی‌نشان

در لحظات پایانی مراسم یکی از حضار که از همکاران قدیم دکتر هنریک مجنونیان بود به روی صحنه آمد و از دانشنامه محیط‌زیست مجنونیان گفت. دانشنامه‌ای مختص نوجوانان که ۱۶ سال نگارش و تدوینش زمان برد. اثری سترگ در ۶ جلد، که متأسفانه عمر مجنونیان به چاپ ۲ جلدش کفاف داد. این همکار و دوست قدیمی مجنونیان، بیان کرد که این دانشنامه یک اثر ملی، ماحصل تلاش ۲۰۰ نفر از متخصصین حوزه‌های مختلف بود و برای هر مدخل، استاد آن حوزه نظر می‌داد، اما متأسفانه علی‌رغم آماده بودن ۴ جلد مابقی، اقدام و اهتمامی جهت چاپ و انتشارش از سوی سازمان محیط‌زیست و ارگان‌های ذی‌ربط دیده نشده است.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

صدای زنان در اعتراضات اخیر



فاطمه قدم

fatemehghadam56@gmail.com



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

مشروطه نشده است. البته در هیچ کشوری، مشروطیت در زمان کوتاه به وقوع نپیوست. در انگلستان، مشروطیت ۶۰۰ سال، در فرانسه ۲۰۰ سال و در آمریکا ۲۰۰ سال به طول انجامید. در ایران هم پیروزی انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ به معنای مشروطه شدن نبود و آن اتفاق نقطه آغاز یک فرایند بود. زنان تا پیش از مشروطه، هم پای مردان اجازه حضور در جامعه و سوادآموزی داشتند. اما پس از مشروطیت، آنها نادیده گرفته شدند و این نقطه شروع نارضایتی زنان بود. تلاش های آنها پس از انقلاب مشروطه برای به رسمیت شناخته شدن بوده است. جامعه زنان همواره در حال تلاش برای ادغام اجتماعی و سیاسی و حرکت روبه جلو بوده و هست.

پس از انقلاب مشروطه، تلاش زنان موجب شد تا طی ۱۰ سال از ضعیفه ناقص العقل به زنی تبدیل شوند که مورد خطاب قرار گیرد و سپس به مرور زمان به عنوان شهروند و ملت شناخته شده و حقوق و تکالیفی داشته باشند. پس زنان در اولین قدم سعی کردند فرو دستی خود در جامعه را برجسته کنند و در قدم بعدی، محرومیت خود را به روی جامعه بیاورند. در این زمان، مفهوم مام وطن و مادر رنجور میهن که نیاز به کمک دارد در مقابل تشبیه حاکمیت به پدر، شکل گرفت. زنان با استفاده از همین استعاره، نام دختران وطن را برای خود برگزیدند و شروع به حق خواهی کردند.

اولین مطالبات آنها حول این موضوع بود که چرا برادران ما حق تلاش برای بهتر کردن وطن خود را دارند؛ ولی ما زنان چنین حقی نداریم؟ مگر ما

نشست «صدای زنان در اعتراضات اخیر» روز دوشنبه ۱۴۰۱/۰۹/۰۷ در مؤسسه رحمان با حضور سیمین کاظمی، جامعه شناس و فاطمه علمدار، روانشناسی اجتماعی و پژوهشگر علوم اجتماعی برگزار شد. این دو پژوهشگر ضمن اشاره به ناآرامی های اخیر و بررسی حضور زنان در آن، به روند تاریخی شکل گیری جنبش زنان از مشروطه تا امروز و اهمیت مطالبه گری و کنشگری زنان در کنار مردان اشاره کردند.

راه زنان از خانه تا خیابان

اولین سخنران، فاطمه علمدار، جامعه شناس با نگاهی به دوران صفویه گفت که ما از زمان صفویه گوشه چشمی به زندگی بهتر که به معنای سعادت اخروی تعبیر می شد، داشتیم. اما از دوران عباس میرزا بابت برون رفت از عقب ماندگی ایران، تصمیم بر مراد به با غرب شد که به تبع آن نگرش تازه ای شکل گرفت که تا امروز هم ادامه دارد. یک نگرش که به مدرنیته غربی باور دارد و نگرش مقابل که تأکید بر مدرنیته شرقی که از دل رویکرد منسجم اسلامی بیرون بیاید دارد. با تلاقی این دو دیدگاه از جریان انقلاب مشروطه ما فکر کردیم که می توانیم بخشی از ایده مدرنیته غربی و محدود کردن قدرت شاه و احیای قانون را با ایده مدرنیته شرقی ترکیب کنیم و با هم هم پوشانی ایجاد کنیم.

با گذشت بیش از ۱۱۶ سال از مشروطه در ایران، اما همچنان ایران



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

به زنان شرقی که اهل کارند و زنان غربی به عنوان ایزه جنسی. دیدگاهی که زن ایرانی را نه مشغول کار و زحمت می خواهد و نه زنی است که به دنبال جذابیت جنسی باشد. پس نقش مادری و تربیتی او به عنوان زن الگو بسیار برجسته می شود. برای ساخت چنین زنی، باید فضای مخصوص زنان ایجاد شود.

زنان ایرانی به طور کلی از محدودیت های غیر معمول مثل ممنوعیت ورود به ورزشگاه، تفکیک های جنسیتی، سخت گیری های مرتبط با موضوع حجاب و... گلایه مند بوده اند. همچنین موارد حقوقی نظیر قانون خانواده که حق طلاق و حضانت فرزند از زنان گرفته شده و پانابرابری در سهم بری از منابع جامعه مثل اشتغال نابرابر و متزلزل و عمدتاً در بازار کار غیر رسمی و موضوع خشونت علیه زنان که نادیده گرفته می شود، در مشارکت سیاسی نیز تعداد زنانی که در مجلس هستند و یا پست های مدیریتی دارند نسبت به سایر کشورها بسیار کم است. به علاوه نقض اختیار بر بدن و سخت گیری هایی که در حوزه بارداری و ممنوعیت دسترسی به وسایل پیشگیری وجود دارد، با موضوع سلامت زنان گره خورده است.

آنچه در جامعه شاهد آن هستیم این است که زنان با احیای سوژه زن غیر مطیع و عبور از حوزه خصوصی و ورود به حوزه عمومی، اعتراض خود را اعلام می کنند. این اتفاقی است که شکلی از امید را برای حرکت زنان در بستر جامعه تصویر می کند. زنان از نامرئی بودن در فضای اجتماعی گذر کرده و حالا با مرئی شدن در حال نشان دادن عاملیت خود هستند. زنان برخلاف کلیشه های جنسیتی دیگر ترسو و وابسته نیستند و حالا با صفاتی خطاب می شوند که پیش از این در توصیف مردان به کار می رفت.

زنان با احیای سوژه زن غیر مطیع و عبور از حوزه خصوصی و ورود به حوزه عمومی، اعتراض خود را اعلام می کنند

اما نگرانی هایی که در رابطه با زنان وجود دارد این است که آیا حرکتی که با محوریت زنان آغاز شد، فرا طبقه ای است؟ به نظر می رسد که این اعتراضات از دل طبقه متوسط بیرون آمده و مطالبات آن طبقه را بروز می دهد و زنان تهی دست و روستایی غایب هستند. همچنین مطالبات این حرکت اخیر شفاف نیست و تنها معطوف به مسائل و سخت گیری های مرتبط با حجاب و مسئله تفکیک جنسیتی بوده است. اما مشخص نیست که زنان به طور خاص چه مطالبات دیگری را دنبال می کنند. همچنین مشخص نیست که آگاهی برای خواهانند برای احقاق حقوق زنان تا چه حدی مورد توجه و حمایت است. از این رو لازم است که همه زنان حرکت اجتماعی خود را نقد کنند تا با مواضع و موقعیت های محدودتر و پیش بینی نشده تری مواجه نشوند.

خواهران شما نیستیم؟ شکل گیری مفهوم خواهران وطن در نشریات عصر مشروطه، تلاش برای به رسمیت شناخته شدن مشارکت سیاسی زنان بود. این جریانات و تغییرات باعث شد تا به مرور حس مالکیت ناموسی با مفهوم پردازی برادر غیرتی در مردان نسبت به زنان به میان آید تا این احساس ممانعت برای ورود زنان به جامعه شود. این دقیقاً زمانی بود که نوعی تکدر جنسیتی ایجاد شد که هنوز هم نشانه های بازمانده آن در سریال های طنز و گفتمان روزمره ما به شکل تبدیل روابط زنان و مردان به نوعی رابطه کودکانه غیر عقلانی و رقابتی که از خشمی فروخورده تاریخی برخاسته است، باز تولید و نشان داده می شود.

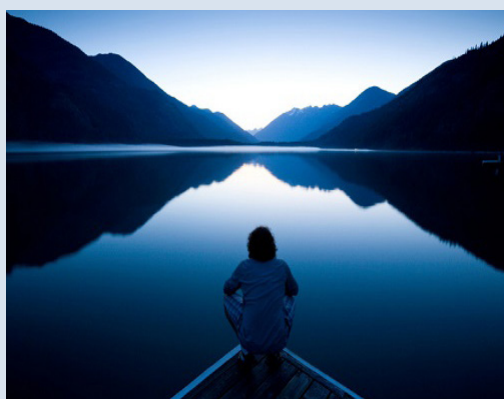
با گذشت بیش از ۱۱۶ سال از مشروطه در ایران، اما همچنان ایران مشروطه نشده است

اولین کنش ساختارمند زنان برای احقاق حقوق و برابری خواهی، تلاش برای سوادآموزی زنان بود که با ادبیاتی چالشی خواستار تحصیل در مدارس می شدند. بعد از این آموزش مرحله شیوه ارتباط بین زنان و مردان در نشریات صورت پذیرفت و به مرور فضا به سمت ایجاد آگاهی نسبت به خشونت علیه مردان و زنان و همراهی هر دو جنسیت در کنار هم پیش رفت. جامعه از گذشته و حال در مسیر خروج از فضای تک جنسیتی و ورود به ادغام جنسیتی بوده و نزاع امروز هم مثل گذشته، بر سر این است که حوزه عمومی به چه کسی تعلق دارد. زنان همواره در مسیر دوگانه تناقضات مکمل بودند و این مطالبه جامعه ما است. زنانی که از طرفی می خواهند مطابق روز باشند و از طرفی میل به عقیف ماندن و حفظ اصالت دارند. در زمان پهلوی با وجود اینکه ظاهراً زنان حقوق داشتند که امروز درباره آنها سخت گیری می شود، اما آن زمان هم با مسئله به رسمیت شناخته شدن گلاویز بودند. امروز هم با وجود اینکه زنان حق رأی دارند، کار می کنند و فرصت تحصیل برای آنها فراهم است اما این زخم اجتماعی به رسمیت شناخته شدن برای آنها همچنان باز است. به نوعی گویی زنان برای اینکه در فضای اجتماعی به رسمیت شناخته شوند، باید مرد شوند. به این ترتیب ادغام سیاسی و اجتماعی زنان از گذشته و تا امروز، هنوز صورت نگرفته است. اما آنچه امروز می بینیم این است که زنان در کنار مردان به بیان مطالبات خود می پردازند. زنان، بیم ها و امیدها

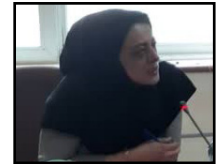
مهمان بعدی این نشست، سیمین کاظمی، جامعه شناس، با اشاره به وقایع انقلاب ۵۷ و مشروطه گفت که امروز حضور زنان در جامعه بسیار پررنگ تر از گذشته به چشم می آید. پس باید این عصیان و نافرمانی زنان در مقایسه با نگرش نظام سیاسی به مسئله زنان بررسی شود. از بعد انقلاب ۵۷، تئوری پردازان ایده مفهوم «زن تراز انقلاب اسلامی» از زنانی می گویند که نه شرقی هستند و نه غربی. دیدگاهی تحقیرآمیز نسبت



اندیشه



یوز ایرانی نماد آموزش محیط زیست در ایران



فاطمه امامی

Femami53@gmailcom

ایمنی او ضعیف شده بود به هر حال پیروز یک تنه چند صبحی آموزش محیط زیست را با نگاه های دوست داشتنی اش به چالش کشید او با جست و خیز و شیطنت های قشنگش به همه ی مردم فهماند که خانه ی اصلی من مورد تهدید است و این خانه ی موقت من است با برق چشمانش به همه تذکر داد اگر من برگردم به طبیعت آیا آهوایی برای شکار در طبیعت خواهد بود؟!

یک نکته ای که نباید فراموش شود یوز سریع ترین حیوان در طبیعت است که سرعت حرکت او در دنبال کردن حیوانی چون آهو که سرعت حرکت آن بسیار بالاتر از خرگوش می باشد بسیار مهم است. دنبال کردن آهو برای سلامتی آناتومی و اسکلت سریع ترین دونده یی چون یوز لازم است در اختیار گذاشتن خرگوش در محدوده ی اسارت این حیوان شاید شکم او را سیر کند ولی سلامتی اسکلت او و لگن او را آیا در ندویدن با سرعت حداکثری تأمین خواهد کرد؟! پس با این تفاسیر جمعیت آهو ضامن سلامتی یوز هم خواهد بود.

پس یوز ایرانی در این چند سال با اشتراک گذاری نحوه ی زندگی و انتخاب جفت و زایمان و زنده ماندن مدت در اسارت خطاها را به همه ی مردم گوشزد کرد در این شرایط ساختار محیط زیست به ناتوانی خود در تخصص های مربوطه پی برد و برای اغنای ذهنیت مردم هم که شده در مسیر مدیریت این کار سعی خواهد کرد هیچ غیر متخصصی را مسئولیت ندهد و این مسیر تلنگری برای فعالان محیط زیست و آموزشگرها باشد که فعالانه نسبت به این مسائل ورود کنند چون تخصص حرف اول و آخر را خواهد زد.

یوز ایرانی چند سالی است مورد توجه کارشناسان محیط زیست ایران قرار گرفته و برای حفاظت از او آموزش های لازم انجام شده است. تبلیغ هایی با لباس تیم ملی و یا اعلام روز مشخصی در تقویم ایران به یاد او و حفاظت آن طرح هایی از آموزش محیط زیست برای حفاظت این گربه سان در خطر انقراض می باشد.

خبر کاهش تعداد یوز ایرانی هر چند وقت یکبار در خبر های محیط زیست ایران یا در فضای مجازی و نشریات و روزنامه ها یادآوری می گردد که خود تلنگری برای اعلام خطر از تهدیدات محیط زیستی ایران است. کاهش تعداد یوز به همه یادآوری می کند که مکان زندگی او در خطر است که یا تعداد آهوها کم شده و یا حیوانی دیگر غالب شده و یا هزار دلیل دیگر که اکوسیستم او در خطر قرار گرفته که باعث کاهش تعداد یا خطر انقراض او می باشد.

بارداری ایران مادر پیروز خبر بسیار مسرت بخش برای مردم ایران بود مردمی که لحظات بارداری او را با امید ثبت کردند و خبر زایمان سخت و سزارین او همه را نگران کرد و همچنین خبر مرگ دو توله از توله های ایران همه را متأثر کرد پیروز با ماندنش و لحظه لحظه ی احوالاتش مردم ایران را شاد کرد. زایمان سخت ایران و مراحل بعدی آن به همه خاطر نشان کرد که تخصص و مدیریت استراتژیک در محیط زیست حرف اول را می زند. اتفاقاتی که در این چند مدت افتاد نشان داد که سازمان محیط زیست متأسفانه خلأهایی در مدیریت تخصص و مشکلات پیش آمده داشت که باعث آزدگی احساسات مردم شد. زنده ماندن حیوان و برگشتن او به توران مسئله ی ساده ای نبود توله ای که از شیر مادر تغذیه نکرده بود سیستم



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲



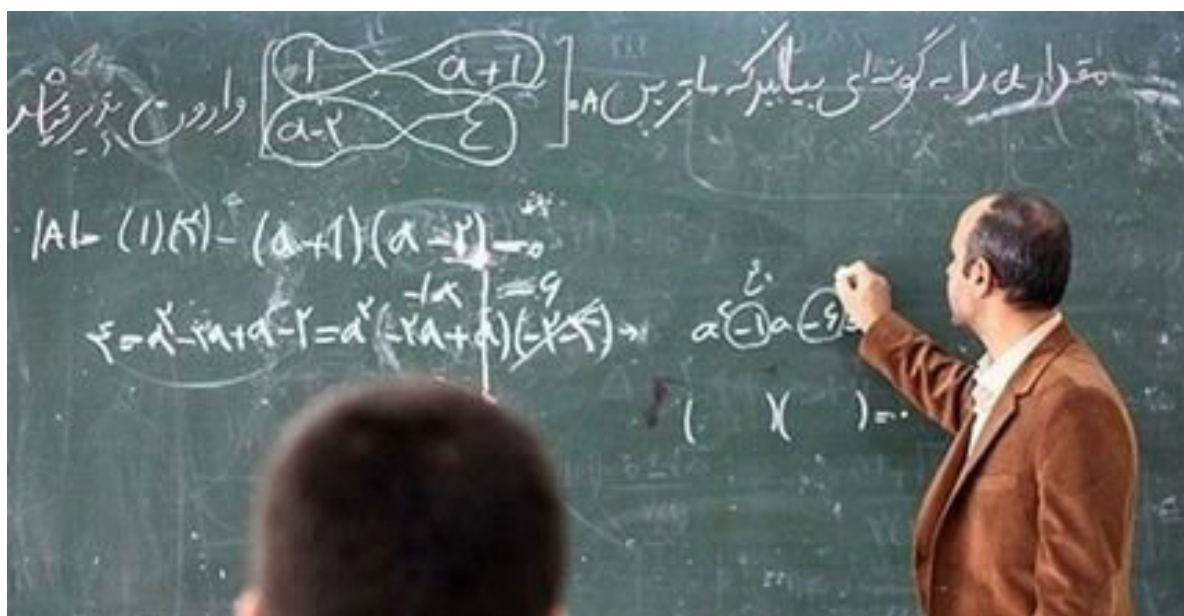
اخلاق حرفه ای (۳)

انواع اخلاق گرای فلسفی و کاربرست آنها در "اخلاق حرفه ای"



کاظم طیبی فرد

k.tayyebifard@gmail.com



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

این نگره است.

وظیفه گرایی اخلاقی (۳)

همان طور که بیان شد، وظیفه گرایان انجام اعمال اخلاقی را یک وظیفه‌ی ذاتی می‌دانند که انسان ملزم به انجام آن وظایف است. انجام این وظایف بدون در نظر گرفتن نتایج صورت می‌گیرد یعنی وظیفه گرایان به اینکه نتیجه عمل‌شان چه خواهد شد وقعی نمی‌نهند و توجهی ندارند. عموماً چون وظیفه گرایان، اخلاق و احکام اخلاقی، ارزش‌ها، و باید و نبایدها را طبیعی و موجود در جهان می‌دانند چنین اعتقادی دارند یعنی قبل از اینکه میان وظیفه گرایی یا نتیجه گرایی دست به انتخاب زده شود لازم است که تصور، فهم و موضع خود را نسبت به اینکه احکام اخلاقی چه هستند، روشن و کامل کرده باشیم.

درباره‌ی اینکه وجود احکام اخلاقی در جهان چگونه است، سه نظر کلی وجود دارد که دو تا آنها شناختی و یکی هم غیر شناختی است. این سه دیدگاه عبارت‌اند از طبیعت گرایی، شهود گرایی و طایفه گرایی.

مطابق نظر طبیعت گراییان در اخلاق، خوبی‌ها و بدی‌ها در جهان وجود دارند و به عبارتی جزئی از طبیعت هستند. یعنی مثلاً "دروغ" به عنوان پدیده‌ای طبیعی ذاتا شر است و شر در طبیعت آن است.

اخلاق گرایان فلسفی و فیلسوفان اخلاق، با وظیفه‌گرا (۱) هستند و یا نتیجه‌گرا (۲). وظیفه‌گرایان عمل به احکام اخلاقی را وظیفه‌ی ذاتی انسان می‌دانند، یعنی انسان باید مطابق احکام اخلاقی عمل کند بدون توجه و در نظر گرفتن نتیجه و پیامد آن. بر خلاف اینان، نتیجه‌گرایان به نتیجه و فایده‌ی عمل اخلاقی نیز التفات دارند و معتقدند هر عمل به صرف حکمی اخلاقی بودن منجر به عمل اخلاقی نمی‌شود بلکه این نتیجه‌ی عمل است که اخلاقی بودن یا نبودن عمل را مشخص می‌کند.

از اینجا به بعد است که باید تصمیم بگیریم و یکی از مواضع را برگزینیم. اینکه وظیفه‌گرا باشیم یا نتیجه‌گرا، در گام‌های بعدی کمک‌مان می‌کند تا مواضع مهم‌تر و تعیین کننده‌تری اتخاذ کنیم. اگر وظیفه‌گرا باشیم، در "اخلاق حرفه‌ای" هم فقط به وظیفه خود عمل می‌کنیم یعنی میان وظیفه‌ی اخلاقی و وظیفه‌ی حرفه‌ای، اصالت را به اخلاق می‌دهیم و صرف نظر از اینکه نتیجه عمل‌مان، چه از نظر اخلاقی و چه از نظر حرفه‌ای چه خواهد شد، مطابق اخلاق عمل می‌کنیم. اما در مورد نتیجه‌گرایان وضع به این سادگی نیست، در عین حال که انتخاب وظیفه‌گرایی نیز بدون چالش نیست. پس باید ببینیم وظیفه‌گرایی اخلاقی چیست و پذیرش آنچه محاسن و معایب، چالش‌ها و امکاناتی دارد و چه نقدهایی متوجه



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

شهود گرایانه که اعتقاد دارند تجربیات و شهودات درونی ما اخلاقی بودن اعمال را کشف می کنند، به راحتی در خیل وظیفه گرایان نمی گنجند. وقتی بنا بر شهود درونی درمی یابیم که دروغ گفتن و بیان خلاف واقعیت، امر غیر اخلاقی است، ممکن است این تجربه را هم در نظر بگیریم که دروغ گفتن با هدف نجات جان یک انسان، اخلاقی تر است. به این ترتیب، نه تنها وظیفه گرا نخواهیم بود، برای نتیجه گرایی نیز نیاز به معیار و متری داریم که نتیجه اخلاقی را بر ایمان مشخص کند.

از طرف دیگر، شهود گرایانه با مشکل تنوع تجربیات و تنوع برداشت ها از تجربیات درونی نیز مواجه هستند. این خود تجربیات و شهودات نیستند که ارزشی را بیان می کنند بلکه خوانش و فهم انسان از یک شهود و تجربه درونی است که معنای آن را می سازد. بدین ترتیب، در تفسیر تجربیات درونی دچار تنوعات گوناگون و بی پایان هستیم و چنان مصادیق فراوانی پیش رو داریم که انتزاع یک قاعده کلی برای آنها بسیار دشوار است.

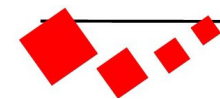
مثلا مصادیق مختلف دروغ گفتن را در نظر بگیرید. طیف گسترده ای از دروغ ها وجود دارد که از دروغ مصلحت آمیز منجر به تحقق بیشترین خیر برای بیشترین افراد بشری، تا دروغ شرورانه را در بر می گیرد. شهود گرا برای پیدا کردن و شناختن وظایف دچار مشکل است. او باید با استقرار از میان تجربیات درونی بی شمار به قواعد کلی که شهود و تجربه مؤید آن هستند دست یابد بنابراین شهود گرایانه برخلاف طبیعت گرایان که ذیل وظیفه گرایی می گنجند، می توانند وظیفه گرا یا نتیجه گرا باشند.

ممکن است شهودات درونی ما مؤید وظیفه یا مؤید نتیجه باشند اما کار عاطفه گرایان از این هم دشوار تر است. اولاً آنان با این اشکال مواجه هستند که عاطفه یکی از پدیده های طبیعی است و یکی از شئون و ساحت های روانی بشر. این ساحت بشری تحت تأثیر و در انسجام با دیگر ساحت متبلور می شود.

باورها و عقاید، به عنوان ساحتی مقدّم به عواطف، هیجانات و احساسات، تعیین کننده و شکل دهنده ی آنند. بنابراین، برای دریافت و درک احکام اخلاقی، قبل از عاطفه، باید عقیده و باور را برسیم، عقیده و باور اشخاص، چنان که مبتنی بر ماده گرایی باشد، بیشتر به طبیعت گرایی مایل خواهد بود و اگر بر اصالت فکر مبتنی بوده باشد، به شهود گرایی.

در هر حال، عواطف، موضوعی مستقل از بشر نیستند و از این رو به نظر می رسد که عاطفه گرایی و اعتقاد به اینکه ارزش گذاری های اخلاقی بر اساس عواطف و بیان احساسات انسان صورت می گیرند، احاله ی امر اخلاقی از خود آن امر به فکر و تصمیم انسان هاست.

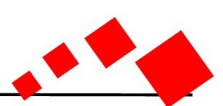
طیف گسترده ای از دروغ ها وجود دارد که از دروغ مصلحت آمیز منجر به تحقق بیشترین خیر برای بیشترین افراد بشری، تا دروغ شرورانه را در بر می گیرد



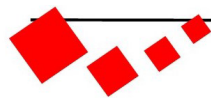
به این صورت، احکام اخلاقی برای یک عاطفه گرا، می تواند از فرهنگی به فرهنگ دیگر و از شخصی به شخص دیگر متفاوت باشد. این نسبی گرایی موجود در عاطفه گرایی چنان است که در بحث از "اخلاق حرفه ای" نیز نه تنها معضلی را حل نمی کند بلکه بر معضلات می افزاید یعنی ممکن است یک شهود گرا از موقعیتی به موقعیت دیگر، در انتخاب میان وظیفه گرایی و نتیجه گرایی در "اخلاق حرفه ای" در نوسان باشد چرا که وظایف حرفه ای نیز بنا بر عاطفه گرایی بار ارزشی متفاوتی دارا هستند. وظیفه ی حرفه ای یک قضا یا مأمور اعدام، هیچ گاه با وظیفه روان شناس، مدد کار اجتماعی

بر خلاف اینان، شهود گرایان معتقدند که انسان ها با شهود و بنا به شهود درونیات خود به این مطلب که برخی صفات و اعمال، خوب یا بد هستند، دست می یابند. بنابراین، برای شناخت خوبی ها و بدی ها باید به تجربه و شهود درونی متوسل شد و درون را کاوید.

بر خلاف این دو نوع دیدگاه، دیدگاه عاطفه گرایان غیر شناختی است، به این معنا که طبیعت گرایی و شهود گرایی در ذات خود این ویژگی را دارند که به دنبال شناخت ارزش اخلاقی پدیده ها و اعمال بروند. طبیعت گرایان با بررسی طبیعت و شهود گرایانه با بررسی درونیات طبیعی بشر می کوشند امور اخلاقی حاوی "خیر" یا "شر" را بشناسند اما عاطفه گرایان معتقدند خوبی و بدی، خیر و شر، فضیلت و رذیلت، و هر گونه حکم اخلاقی نوعی بیان عواطف توسط انسان هاست.



بسته به اینکه ذات اخلاق را مطابق کدام یک از این سه دیدگاه بپنداریم، موضع و تصمیماتمان متفاوت خواهد بود.



بدین ترتیب اگر بگوییم "دروغ"، بد و "صداقت"، نیک است، احساس و عاطفه ی خود از این امور را بیان کرده ایم و این امور در نفس خود بار ارزشی ندارند. دروغ برای ما احساسی بد و صداقت احساس خوب به ارمان می آورد.

حال اگر در اخلاق حرفه ای وظیفه گرا باشیم، بسته به اینکه ذات اخلاق را مطابق کدام یک از این سه دیدگاه بپنداریم، موضع و تصمیماتمان متفاوت خواهد بود. یک وظیفه گرای اخلاقی در هنگامی که به تعارض بین وظیفه اخلاقی و حرفه ای اش بر می خورد، طبیعتاً بدون در نظر گرفتن نتایج احتمالی، فقط به وظیفه اخلاقی خود عمل می کند، در این صورت، وظیفه دینی یا قانونی را کنار می نهد و از انجام آن سر باز می زند.

اگر چنین اخلاقی گرایی به طبیعت گرایی اخلاقی معتقد باشد، خوبی و بدی، باید ها و نبایدها، و خیر و شر را بخشی از طبیعت می داند و بر این اساس، خود را ملزم می داند که مطابق طبیعت عمل کند. در نظر او، طبیعت همان حقیقت و واقعیت جهان است و بر خلاف آن عمل کردن، بر هم زدن نظم جهان و به وجود آوردن "شر" است.

مثلاً چنان که یک طرفدار محیط زیست معتقد است تخریب جنگل ها با آسیب زدن به چرخه طبیعی انرژی و ماده در جهان موجب پدید آمدن آسیب ها و صدمات فراوانی به موجودات می گردد و شری عظیم را پدید می آورد، طبیعت گرای اخلاقی نیز اعتقاد دارد که باید در هر وضعیتی مطابق اخلاق عمل کند و عمل بر ضد آن، باعث بر هم زدن نظم طبیعت و به وجود آمدن شرور می شود. همان گونه که بر هم زدن نظم طبیعت، موجب سیل ها، گرمایش زمین، انقراض موجودات و در خطر افتادن حیات انسان می شود، دروغ گفتن و ظلم کردن نیز، به عنوان مثال، در نهایت، موجب از بین رفتن التزام اخلاقی جهان و سقوط اجتماعات بشری می گردد.

می توان انتظار داشت که یک طبیعت گرای اخلاقی چنین دیدگاهی نسبت به قانون نداشته باشد. به گمان او، احکام دین و قانون نیز باید با طبیعت و احکام اخلاقی آن مطابق باشند. او بنابراین که اخلاق را یک پدیده و واقعیت طبیعی می داند، به دین یا قانون نیازی نمی بیند. اگر چه ممکن است بدان ها مقید بماند، تقید او مشروط به مطابقت احکام با طبیعت اخلاقی است. بنابراین، طبیعت گرایان در وظیفه گرایی موجه هستند اما شهود گرایانه ماجرای متفاوت دارند، عاطفه گرایان بسی بیش از آنان.

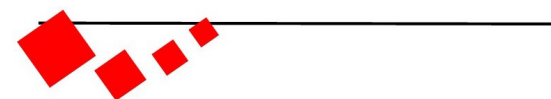


هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹
۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

یا معلم به لحاظ عاطفه‌گرایی یکسان نیستند، وظیفه‌ی اخلاقی آنها نیز متفاوت خواهد بود. از این رو، به نظر می‌رسد که عاطفه‌گرایان به نتیجه‌گرایی متمایل‌تر باشند تا به وظیفه‌گرایی. آنان از آنجاکه وظایف را نسبی و در طیفی فراگیر از ارزش‌ها می‌بینند، عاقلانه‌تر است که نتیجه را ملحوظ کرده و بنا بر نتایج عمل، عمل را دآوری کنند.

لازم است که اخلاق را با مترادف وظیفه‌بدانیم یا منوط به نتیجه. گرایش به هر کدام نیز وابسته به این است که ذات اخلاق را طبیعی بدانیم یا شهودی و یا عاطفی.



به هر حال، در حالی که شاید اعتقاد به وظیفه‌گرایی کمی رادیکال و افراطی به نظر برسد، دیدیم که با طبیعت‌گرایی اخلاقی سازگارتر است و تمایل طبیعت‌گرایان اخلاقی به وظیفه‌گرایی عاقلانه‌تر و محتمل‌تر به نظر می‌رسد در حالی که شهودگرایانه و به خصوص عاطفه‌گرایان تمایل بیشتری به نتیجه‌گرایی دارند.

بهتر است همین سه دیدگاه اخلاقی درباره ذات اخلاق را در حوزه‌ی نتیجه‌گرایی نیز بررسی کنیم و نسبت این سه را با آن دو بسنجیم. بعد از تطابق نظری آنها، در تاریخ و واقعیت، به دنبال نظرگاه‌های طرفدار هر کدام خواهیم گشت تا قائلان به هر کدام را شناسایی کنیم.

نتیجه‌گرایی اخلاقی (۴)

مطابق دیدگاه نتیجه‌گرایان اخلاقی، نتیجه‌ی هر عمل، معیار سنجش ارزش اخلاقی آن است. به این ترتیب، نه خود عمل، بلکه آنچه از عمل و رفتار به دست می‌آید، می‌تواند واجد ارزش اخلاقی باشد یا نباشد. البته این بدان معنا نیست که هر عمل غیر اخلاقی که شهود نیز غیر اخلاقی بودن آن را تأیید می‌کند نیز منوط به حاصل آوردن "خیر"، می‌تواند اخلاقی تلقی شود. به عقیده‌ی نتیجه‌گرایان، عمل اخلاقی در ذات خود منجر به "خیر" خواهد شد. بر همین اساس، نتیجه‌گرایی را می‌توانیم معادل "فایده‌گرایی" (۵) بدانیم که در پی حصول بیشترین منفعت برای بیشترین افراد است. با این تفسیر، نتیجه‌گرایی نیز می‌تواند برای طبیعت‌گرایان مورد توجه قرار بگیرد بدین گونه که ارزش اخلاقی را طبیعی دانسته و عمل بدان را تکلیف بدانند و در عین حال، برای طبقه‌بندی ارزش‌های اخلاقی، نیم‌نگاهی نیز به نتیجه‌ی آن داشته‌باشند. اما عموماً این گونه نیست و وظیفه‌گرایان مدعی هستند که در اخلاق، وظیفه بر نتیجه ارجحیت و شمولیت دارد یعنی چنانچه وظایف اخلاقی انجام شوند نتایج اخلاقی نیز در پرتو آن، خودبه‌خود حاصل خواهند شد. گرچه این ادعا مخالف شهود ماست و چه بسیار فضایی را دیده‌ایم که در رفتار متخلفان به اخلاق، منجر به نتیجه نشده و حتی به دست فراموشی سپرده شده‌است.

در توصیف نتیجه‌گرایی و وظیفه‌گرایی اخلاقی به همین مقدار بسنده می‌کنیم چون همین اشارات نیز با این هدف بوده که ضرورت موضع‌گیری نسبت به آنها را یادآور شویم. بنابراین، لازم است که اخلاق را با مترادف

وظیفه‌بدانیم یا منوط به نتیجه. گرایش به هر کدام نیز وابسته به این است که ذات اخلاق را طبیعی بدانیم یا شهودی و یا عاطفی.

حالت‌های ممکن، و موضعی که باید لحاظ شود

لازم است که قبل از ارزشیابی مسائل حرفه‌ای، موضعی مناسب و عقلانی اتخاذ نماییم که در آن، یکی از دوگانه‌ی وظیفه یا نتیجه‌گرایی بر یکی از تلقی‌های سه‌گانه‌ی طبیعی یا شهودی یا عاطفی استوار باشد. مثلاً باید اگر چنانچه به اصالت وظیفه در اخلاق پایبندیم، برای ذات اخلاق توجیهی داشته‌باشیم که عقلاً با وظیفه‌گرایی تناسب داشته‌باشد و بدان وسیله مؤجه گردد. اگر وظیفه‌گرای اخلاقی هستیم، باید تبیین مناسب و عقلانی‌ای از ذات اخلاق داشته‌باشیم و بتوانیم بنابر این که ذات اخلاق را امری طبیعی، شهودی یا عاطفی می‌دانیم، برای وظیفه‌گرا بودنمان دلیل اقامه کنیم. مثلاً بگوییم و استدلال کنیم که اخلاق پدیده‌ای طبیعی است و مطابق طبیعت عمل کردن، وظیفه و فضیلت آدمی است. یا بگوییم اخلاق پدیده‌ای شهودی است و با تجارب درونی آدمیان به دست آمده و بنابر این جزئی از وظایف بشر است. یا حتی ذات اخلاق را بیان عاطفی و احساسی ارزش‌هایی بدانیم که ارزش آن را عواطف و احساسات نشان می‌دهد.

به این ترتیب با شش حالت امکانی مختلف روبه‌رو هستیم؛

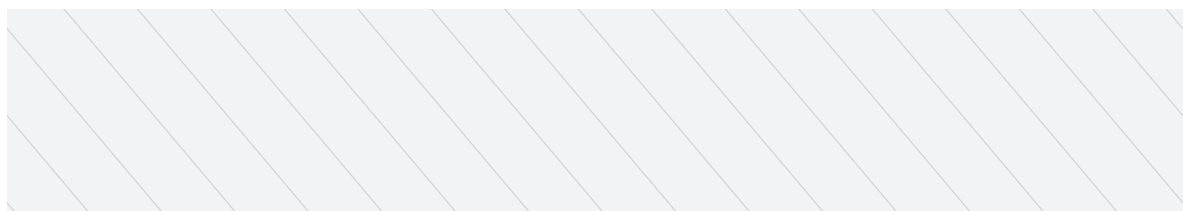
۱. نتیجه‌گرایی مبتنی بر طبیعت‌گرایی اخلاقی
۲. نتیجه‌گرایی مبتنی بر شهودگرایی اخلاقی
۳. نتیجه‌گرایی مبتنی بر عاطفه‌گرایی اخلاقی
۴. وظیفه‌گرایی مبتنی بر طبیعت‌گرایی اخلاقی
۵. وظیفه‌گرایی مبتنی بر شهودگرایی اخلاقی
۶. وظیفه‌گرایی مبتنی بر عاطفه‌گرایی اخلاقی.

با بررسی این حالت‌های شش‌گانه و انتخاب یکی از آنها، وظایف حرفه‌ای را بر اساس مواضع انتخاب شده می‌سنجیم تا از تعارض رها شویم. پس در ادامه، این شش حالت ممکن را بررسی خواهیم کرد. می‌خواهیم بدانیم، کدام یک از این حالت‌ها، در صورت اعتقاد به آن، مددکارمان در حل تعارضات وظیفه‌ی حرفه‌ای با وظیفه‌ی اخلاقی می‌تواند باشد.

پانوشته‌ها و مأخذ:

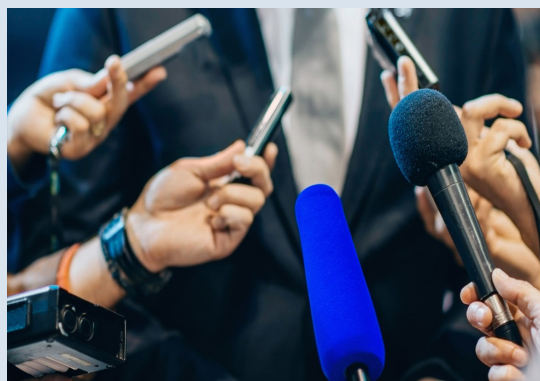
۱. Deontological Ethics وظیفه‌گرایی یا تکلیف‌گرایی در اخلاق
۲. Teleological Ethics نتیجه‌گرایی در اخلاق، اخلاق غایت‌گرایانه
۳. برای اطلاع بیشتر از این رویکرد، نک: فرهنگ فلسفه، گروه مترجمان، به سرپرستی غلامرضا اعوانی، تهران، انتشارات مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۹ ش، صص ۱۱۶۱-۲
۴. برای اطلاع بیشتر از این رویکرد، نک: فرهنگ‌نامه تاریخی مفاهیم فلسفی، انتشارات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، جلد سوم، ۱۳۹۴، مداخل‌های "آموزه‌ی تکالیف"، ص ۴۴، "اخلاق مبتنی بر تکلیف، اخلاق تکلیف‌شناسانه"، ص ۱۳۱، "تکلیف"، ص ۲۳۸، ب، نوشته‌ی و. کرستینگ، ترجمه‌ی احمد رجبی
۵. Utilitarianism یا فایده‌گرایی، جریان فلسفی قائل به اصل منفعت و سود است که جان استیوارت میل و جرمی بنتام، سردمداران آن بوده‌اند. اولین و مهم‌ترین اثر مکتوب استیوارت میل با مشخصات زیر به فارسی ترجمه و منتشر شده‌است:

میل، جان استیوارت، فایده‌گرایی، ترجمه‌ی مرتضی مردی‌ها، تهران، نشر نی، چاپ چهارم، ۱۳۹۴ ش، به خصوص فصل دوم، فایده‌باوری چیست؟ و همچنین مقدمه‌ی مترجم





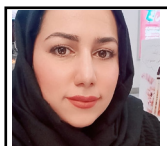
گفتگو



مهدی پازوکی، اقتصاددان و فعال سیاسی در گفت و گو با اراده ملت عنوان کرد:

کشور در دست حزب امام صادقی‌ها

بحران مدیران نالایق موجودیت حاکمیت را به چالش خواهند کشید



فائزه صدر

Facehsadr7@gmail.com

همان مجموعه استخدام شده بودند و راه را پله پله طی کرده و به ترتیب بالا آمده و به مقام ریاست سازمان برنامه و بودجه استان تهران رسیده بود. چنین فردی با کسی جایگزین شده که تنها سابقه خدمتش □ مسئول دفتر □ یکی از آقایان است.

کسی امروز رئیس مناطق آزاد کشور شده است که وقتی به مصاحبه‌های او در سال‌های گذشته نگاهی می‌اندازید، می‌بینید تفکری کاملاً ضد سرمایه‌گذاری خارجی دارد. با توجه به ماهیت مناطق آزاد و نقشی که این مناطق در اقتصاد هر کشوری دارند، جای چنین کسی با چنان تفکری در رأس مدیریت این بخش نیست.

سازمان برنامه مجموعه‌ای تخصصی است. مدیرانی که دولت به این سازمان آورده از خارج از مجموعه سازمان برنامه آمده‌اند و تجربه و سابقه‌ای در این حوزه ندارند. در حالی که باید ۷۰ درصد از مدیران سازمان تخصصی از درون همین مجموعه‌ها انتخاب شوند و مراتب را پله پله در همین محیط طی کرده باشند.

سازمان برنامه، بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، مرکز آمار ایران؛ سازمان‌هایی کاملاً تخصصی هستند. مدیرانی که در این مجموعه‌ها دانش، تجربه و سابقه لازم را نداشته باشند خیلی راحت بازی گرفته می‌شوند.

در هیچ کجای دنیا چنین بلایی بر سازمان‌های تخصصی‌شان نمی‌آورند. آنچه امروز در کشور می‌بینیم تبعات انتصاب‌های غیر تخصصی و قبيله سالاری است. نیروی انسانی متخصص یکی از عوامل اصلی توسعه است. شاید در نگاه غیر تخصصی و بادیدی عامیانه نتوان بین کاهش نزدیک به ۱۰۰ درصد ارزش پول ملی طی یک سال و انتصابات گروهی، جناحی و قبيله‌ای ارتباطی برقرار کرد، ولی در حقیقت امر، ارتباط تنگاتنگی بین مدیران نالایق، بی تجربه و ناتوان با وضعیت اقتصادی و سیاسی امروز ایران وجود دارد.

وقتی وضعیت اقتصادی دو سال گذشته کشور را مورد بررسی قرار می‌دهیم می‌بینیم در عرض دو سال نرخ تورم به صورت وحشتناکی بالا رفته و ارزش پول ملی آن چنان کم شده که قدرت خرید خانوار ایرانی تابیش از ۵۰ درصد کاهش پیدا کرده است. یا اینکه تورم بخش مسکن از تورم اقتصاد جلو زده است، همه این موارد بر وجود بحران مدیریت در کشور و تشدید این بحران طی دو سال گذشته گواهی می‌دهند.

دولت در حوزه نیروی انسانی به‌ویژه در بخش مدیریتی کشور دچار اشتباه و تکرار مکرر اشتباه است. اما تا اینجا اشتباهات دولت وقت در حوزه نیروی انسانی سنگین‌تر از اشتباهات دولت‌های قبلی است.



اراده ملت، فائزه صدر: هر زمان که کشوری بحرانی را تجربه می‌کند، احزاب و تشکلهای وظیفه دارند ظرفیت اجتماعی را پای کار بیاورند و آسیب بحران را به حداقل برسانند. ایران امروز درگیر بحران مدیریتی است. در دوره‌ای به سر می‌بریم که حضور مدیران نالایق، سفارشی و کسانی که صرفاً بر اساس روابط بر سر کار آمده‌اند، در بدنه نهادهای حاکمیتی پررنگ‌تر از پیش شده است. بحران مدیریت دولت را ضعیف کرده و اقتصاد ناتوان ایران را بیش از پیش به چالش کشیده است. از دیگر وظایف احزاب جذب نیروهای فعال و تربیت و پرورش مدیران در این ساختار است از این رو نقش احزاب در مقابله با بحران ناکارآمدی مدیریتی برجسته می‌شود. اراده ملت در گفت و گویی با مهدی پازوکی، اقتصاددان و فعال سیاسی به بررسی این معضل پرداخته که در ادامه می‌خوانید:

وقتی از بحران مدیریت در کشور صحبت می‌کنیم دقیقاً از چه چیزی حرف می‌زنیم؟ حوزه مدیریتی کشور درگیر چه معضلی است؟

یک مثال برای شما می‌زنم؛ رئیس پیشین مرکز آمار ایران، کارشناس همین مرکز بود که پله پله در این مجموعه رشد کرده و بالا آمده بود. این فرد ابتدا کارشناس ارشد شد، سپس مدیر و بعد مدیر کل شد. بعدها به سمت معاونت رسید و در نهایت شد رئیس مرکز آمار ایران. اما در دولت سیزدهم یک نفر صفر کیلومتر از دانشگاه امام صادق به ریاست این مرکز منصوب شد.

یارئیس سازمان برنامه و بودجه استان تهران که فردی با مدرک دکتری اقتصاد از دانشگاه تربیت مدرس بود. ایشان هم با مدرک کارشناسی در



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹
۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

متأسفانه، با انتصاب‌های سفارشی افراد نالایق مثل علف‌های هرز چنان رشد داشتند که اگر چاره‌ای برای این وضعیت اندیشیده نشود، بحران این مدیران نالایق موجودیت حاکمیت را به چالش خواهند کشید.

با توجه به وظایف احزاب از جمله کادر سازی و جذب و تربیت نیروهای متخصص؛ بین نبود حاکمیت حزبی و بحران مدیریتی در ایران چه نسبتی برقرار می‌کنید؟

اگر احزاب فعالیت کنند که از اساس چنین رؤسای جمهوری را تجربه نخواهیم کرد. چون حزب فردی را که به او اعتقاد دارد و شایستگی‌اش تأیید شده به انتخابات می‌فرستد برایش رأی جمع می‌کند و تیم قدرتمندی برای دولت معرفی می‌کند تا در برابر حزب رقیب برنده باشد. امروز شورای نگهبان چند نفر را معرفی می‌کند و می‌گوید از بین اینها یکی را انتخاب کنید. در اصل همه آن‌ها مثل هم فکر می‌کنند. از بین آن‌ها یک نفر با وعده رأی می‌آورد و در طول دوره‌اش پاسخگوی هیچ‌کس نیست.

یکی از مصیبت‌های کشور در زمانی که آقایان دولت را در اختیاری می‌گیرند این است که پست‌ها را بر اساس نگاه سیاسی افراد تغییر می‌دهند و به یکباره در یک وزارت، سازمان یا نهاد از وزیر تا رده مدیران میانی و حتی بعضاً تا کارکنان سطوح پایین‌تر عوض می‌شوند تا نگاه سیاسی آقایان بر آن مجموعه‌ها حاکم شود. این مشکل در دولت آقای رئیسی به شکل وخیم‌تری بروز کرده چون نه تنها پست‌های سیاسی بلکه پست‌های تخصصی را هم تغییر داده‌اند.

اگر حزبی عمل می‌کردند که باید بهترین فردشان را می‌فرستاد. افراد شناسنامه و رزومه داشتند. نه اینکه تنها ملاک هم فکر بودن باشد. اصرار آقایان به حضور هم‌فکرانشان در رأس تمام مجموعه‌ها، ایران را در کنار تمام مشکلاتش با معضلی جدید به نام بحران مدیریتی روبه‌رو کرده است. کشور به دلیل حضور افراد نالایق در حوزه تصمیم‌گیری و مدیریت، ضعیف شده است. اقتصاد کشور به عنوان بخشی کاملاً تخصصی و علمی با چالش بزرگ مدیران غیر تخصصی و مدیران ناتوان روبه‌رو است.

در کشورهای توسعه یافته بهترین نیروی متخصص را جذب دولت می‌کنند. ملاک و معیار انتخاب افراد برای پست‌های تخصصی، سواد فرد، علم فرد، توانایی و خلاقیت آن فرد است. متأسفانه در ایران استخدام از پایین‌ترین تا بالاترین رده‌ها غیر تخصصی و با معیارها و ملاک‌هایی غلط انجام می‌شود.

نتیجه این است که تمام کارکنان دولت و مدیران دولتی و وزرا و حتی نمایندگان به ظاهر شبیه به هم هستند. یک جور حرف می‌زنند. یک استایل پوشش دارند و حداقل به ظاهر اعتقادات و ایدئولوژی مشترکی دارند ولی کار مملکت و اقتصاد کشور مهم است که به دست این طیف یک شکل و یک عقیده لنگ مانده است.

در گوشه و کنار دنیا افراد موفق و تأثیرگذاری را می‌شناسیم که باعث افتخار دولت‌هایشان هستند اما مثل رئیس‌جمهور یا وزرا لباس نمی‌پوشند. در ایران ملاک فقط ظاهر است. امروز تحصیل در دانشگاه امام صادق به یکی از ملاک‌های جذب افراد در بدنه دولت تبدیل شده است. این حزب امام صادقی‌های بی تجربه کشور را دچار مشکل کرده‌اند.

با وجود اینکه من منتقد دولت آقای روحانی بودم اما اعلام می‌کنم که وزرا و مدیران دولت یازدهم و دوازدهم به مراتب قوی‌تر از افرادی بودند که امروز پشت همان میزها نشسته‌اند.

آیا وزیر خارجه فعلی با محمد جواد ظریف قابل مقایسه است؟! ۴۰ سال پیش انقلاب نوپا بود و مشکلات و ضعف‌های زیادی در کشور داشتیم. چهار دهه گذشته است و باید به سطح قابل قبولی از پختگی و تجربه رسیده باشیم، اما می‌بینیم دولتمردان امروز در مقایسه با دولتمردان چهار دهه پیش ضعیف‌تر شده‌اند. ۴۰ سال پیش شهید باهنر وزیر آموزش و پرورش بود. آیا وزرای آموزش و پرورش دو سال اخیر را می‌توان با شهید باهنر مقایسه کرد؟! امروز مسئول حراست دانشگاه علامه طباطبائی وزیر آموزش و پرورش کشور شده است!

مرحوم نژادحسینیان را با وزیر راه فعلی مقایسه کنید. مرحوم نوربخش را با رؤسای دو سال گذشته بانک مرکزی مقایسه کنید. توانمندی دولتمردان فعلی حتی در حد عملکرد کارمندان سطوح میانی وزارتخانه‌های دولت مهندس موسوی هم نیستند. سطح مدیریتی کشور تا این درجه تنزل کرده است.

من دولت‌های ایران بعد از مصدق را به خوبی مطالعه کرده‌ام. در طول ۷۲ سال گذشته دولتی به این ضعیفی نداشته‌ایم. تنها دولتی که از نظر بحران مدیریت و ضعف در حوزه تخصصی با دولت سیزدهم برابری می‌کند، دولت محمود احمدی‌نژاد است. امروز تمام احمدی‌نژادی‌ها به دولت و مجلس برگشته‌اند و حتی پست‌های بالاتری گرفته‌اند.

در آن سال‌های احمدی‌نژادی، درآمد ارزی ایران ۶۰۰ میلیارد دلار بود. آن درآمد بالا ناکارآمدی‌های سیستم احمدی‌نژادی‌ها را پوشش داد و مانع از بر ملا شدن بسیاری از بحران‌ها و ناکارآمدی‌ها شد. امروز هم افرادی دوروبر آقای رئیسی را گرفته‌اند که عملکردشان دلیل تضعیف دولت است. اگر رئیس‌جمهور روندی را که در دو سال گذشته طی شده ادامه بدهد به عنوان ضعیف‌ترین دولت ایران پس از انقلاب شناخته خواهد شد.

وقتی به نحوه انتخاب وزرا و مدیران دولت انتقاد می‌شود معمولاً با عبارت جوان‌گرایی انتخاب‌ها را توجیه می‌کنند. آیا جوان‌گرایی در تضاد با تخصص و تجربه‌گرایی است؟

جوان‌گرایی بد نیست، سفارشی‌گرایی بد است. مدیری که تخصص ندارد، استعدادها را خفه می‌کند؛ چون شکوفایی زیر مجموعه‌اش کارایی خود او را زیر سؤال می‌برد. ضمن اینکه وقتی افراد با نگاه‌های گروهی و جناحی بر سر کار می‌آیند، معمولاً انحصار طلب هستند و به همین دلیل زیر مجموعه را از بین افرادی با نگاه گروه و جناح خودشان انتخاب می‌کنند. در این نوع انتخاب‌ها کمتر توجهی به تخصص، تجربه و شایستگی فرد می‌شود.

به همین دلیل است که عموماً معاونین چنین افرادی حتی ضعیف‌تر از خود آن‌ها هستند در حالی که در کشورهای پیشرفته و در نظام اداری دموکراتیک نفرت زیر مجموعه از قوی‌ترین، خلاق‌ترین و بهترین نیروها انتخاب می‌شوند و عموماً بعد از برکناری یا بازنشستگی هر رئیسی فردی که از خود او هم بهتر است جانشینش می‌شود.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

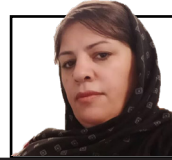
شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

احمد نبوی، دبیر کل حزب همت در گفت و گو با اراده ملت عنوان کرد:

مصوبه حجاب و عفاف به نتیجه نخواهد رسید

جریان تندروی که یکدست سازی کلیت حاکمیت را با مهندسی و مدیریت به دست آورد، نمی خواهد اجازه دهد که روند دموکراسی و تغییر و تحول شکل بگیرد



فاطمه قدم

fatemehghadam56@gmail.com

و تحول شکل بگیرد. در حقیقت این جریان سعی می کند که با عدم حضور و با عدم مشارکت مردم این یک دست ماندن قوا را حفظ کند. اما از طرفی دیگر به این قضیه خوش بینم و به این لحاظ خوش بینم که من فکر می کنم قوه عاقله ای در حاکمیت وجود دارد که اجازه نمی دهد تا جمهوری اسلامی آلت دست تندروها قرار بگیرد. بدین منظور پیش بینی من این است که شورای نگهبان این دوره متعادل تر برخورد خواهد کرد و اعتقاد دارم که مردم خیلی غیر قابل پیش بینانه در این انتخابات وارد می شوند و تغییراتی در قوه مقننه شکل می گیرد و این قوه مقننه جدید قابلیت این را دارد که به گونه ای برنامه ریزی کند که به نظر من آن نگاه مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۲ برای نظام پارلمانی شکل بگیرد و مجلس وارد یک درخواستی برای متمم قانون اساسی شود و نظام پارلمانی شکل دهد و به همین علت است که امید دارم و به موضوع خوش بینانه نگاه می کنم و آنچه مسلم است این اتفاق زمانی رخ می دهد که قوه عاقله ای در حاکمیت جلوی تندروی ها را بگیرد و اجازه ندهد که این روند ادامه پیدا کند.

بر اساس نگاه خوش بینانه ای که به آینده سیاسی ایران دارید پیش بینی شما برای مشارکت مردم در انتخابات مجلس دوازدهم مثبت تلقی می گردد؟

به نسبت مجلس قبل بله پیش بینی بنده این است که در قیاس با دوره قبل مشارکت بهتر خواهد بود.

آیا جنبش دیگری، رخداد، حادثه، حرکت یا هر چه که بنامیم شبیه جنبش مهسا، تا قبل از انتخابات مجلس شاهد آن خواهیم بود یا خیر و اگر بلی تا چه اندازه؟

من نظرم این است که اگر وجود داشته باشد همانند تکانه های قبل از زلزله یک تکانه هایی امکان رخ دادن دارد، اما این تکانه ها چون مدیریت ندارد، چون رهبر ندارد و در حقیقت چون نفوذ عوامل داخلی و خارجی در به انحراف کشاندن آن بسیار زیاد قدرتمند است به این خاطر این تکانه ها تأثیر بسیار زیادی نخواهد داشت، هر چند تصورم این است که احتمال به وجود آمدن آن نیز باشد.

شما نقش و جایگاه زنان را در جنبش های احتمالی و یا مشارکت در مجلس چه به عنوان انتخاب کننده و چه به عنوان انتخاب شونده چگونه پیش بینی می کنید؟

در مورد نقش زنان اگر بخواهم بگویم به نظر با فشارهایی که برخی



اراده ملت، فاطمه قدم، با توجه به در پیش داشتن انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و از طرفی فشارهای حاکمیت بر مردم نظیر لایحه عفاف و حجاب، خروج اساتید از دانشگاه ها و مشکلات اقتصادی و... که آینده ایران را مبهم کرده است، نیاز دیدیم که با جناب نبوی، دبیر کل حزب همت، جهت تحلیلی از این شرایط به گفتگو بنشینیم که در ادامه می خوانید:

جناب نبوی شما به عنوان دبیر کل حزب همت، آینده کنش سیاسی و حزب سیاسی در ایران را چگونه پیش بینی می کنید؟

خدمت شما عرض کنم که من آینده سیاسی ایران را از یک منظر بسیار خوش بینانه نگاه می کنم و از منظر دیگر بدبینانه و پیش بینی می کنم که احتمال خوش بینانه به آینده کنش سیاسی و حزب سیاسی نزدیک تر باشد تا بدبینانه ولی خب باید آن حالت بدبینانه را هم در نظر بگیریم و در مورد آن نیز صحبت بکنیم. در حالت بدبینانه احساسم بنده این است که جریان تندروی که یکدست سازی کلیت حاکمیت را با مهندسی و مدیریت به دست آورد، نمی خواهد اجازه دهد که روند دموکراسی و تغییر



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

در آخر اگر بخواهیم یک نتیجه گیری کلی با توجه به جمیع مباحثی که مطرح شد و با توجه به لایحه عفاف و حجاب و همچنین مشکلات اقتصادی جامعه و... داشته باشید، به نظر شما حاکمیت چه روندی را در آینده پیش خواهد گرفت؟

من احتمال می دهم که لایحه عفاف و حجاب تصویب نخواهد شد. در حقیقت کمیسیون قضائی مجلس که می خواهد به جای ۸۵ میلیون نفر جمعیت ایران تصمیم بگیرد به ذهنم می رسد که تحت فشارهای بقیه نمایندگان و بخشی از حاکمیت که مخالف این شدت عمل هستند و حتی نیروی انتظامی که قرار است به این لایحه عمل کند چون نام پلیس خدشه دار می شود، پلیسی که قرار است امنیت کشور را برقرار کند و جلوی اتفاقی مثل شاه چراغ و... را بگیرد و سرگرم «روسیات رابکش جلو، بکش عقب» شده است، با این نگاه تصور بنده این است که مصوبه حجاب و عفاف به نتیجه نخواهد رسید و این همان آینده خوش بینانه ای است که من اول صحبت هایم عرض کردم و به آن باور دارم، مگر اینکه آن قوه عاقله ای که به نظر بنده باید جلوی تندروی ها را بگیرد در انتخابات مجلس و در تسویه حساب های سیاسی شورای نگهبان نتواند تأثیر گذار باشد که اگر نتواند در این انتخابات و نسبت به صلاحیت های شورای نگهبان، ترمز این تندروی ها را بکشد متأسفانه باید با نگاه بدبینانه به موضوع نگاه کنیم؛ ولی خیلی خیلی امیدوارم که این گونه نباشد و مشارکت مردم در انتخابات زیاد باشد و مجلس جدید نگاه نوینی به جامعه ایرانی داشته باشد.

مسئولین در کشور با نگاه جبهه پایداری وارد می کنند و تنگ نظری هایی که درباره زنان رخ می دهد و فشاری که به این قضیه وارد می شود به نظرم می آید که زنان این انتخابات آتی را با کاندیداهای بسیار خوب زنان، تغییر و تحولی در رأی دادن کاندیداهای مرد نشان خواهند داد. من نگاه خوش بینانه ای که در این دوره مجلس به شورای نگهبان دارم، احتمال اینکه بیشترین کرسی مجلس را خانم ها تصاحب کنند خیلی دور از ذهن و غیر قابل تصور نخواهد بود.

در مورد مشارکت جوانان در انتخابات چه گونه تحلیل و پیش بینی می کنید؟ آیا تحلیل شما همانند زنان است یا خیر؟

نه من در دهه ۷۰ و هشتادی ها کمتر مشارکت را می بینم چون نگاه آنها کاملاً متفاوت است ولی به نظر دهه شصتی هایی که در دوره قبل شرکت نکرده بودند در این دوره خیلی وسیع شرکت خواهند کرد.

در مورد خروج اساتید از دانشگاه که این روزها پررنگ تر شده و افرادی نظیر اعضای جبهه پایداری جایگزین اساتید اخراجی از دانشگاه می شوند چه تحلیلی دارید؟

علت اینکه من در حالت بدبینانه تندروها را می بینم همین حرکت هاست. امروز استعفای دکتر عارف از دانشگاه شریف ضربه بسیار مهلکی بود به نهاد دانشگاه و در حقیقت بیدار شدن برخی از مسئولین نسبت به دخالت های خارج از دانشگاه و دانشگاه. به نظر که با رفتن آقای عارف این روند موفق خواهد شد. من فکر می کنم که شاید تغییر و تحولات مثبتی رخ دهد.



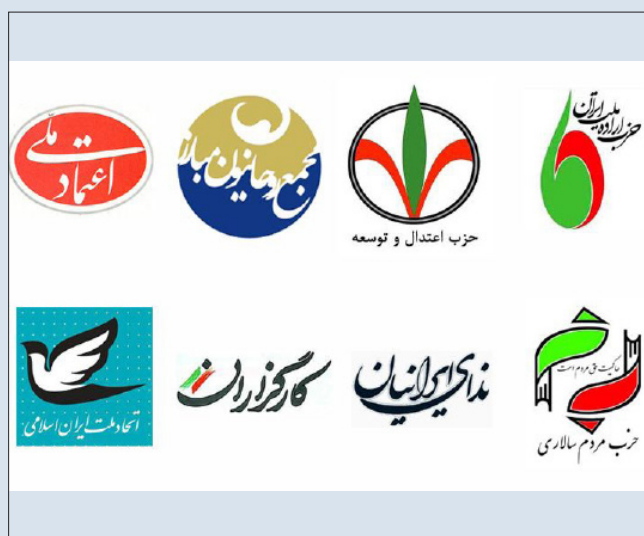
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲



تاریخ احزاب سیاسی ایران



اجتماعیون اعتدالیون

تاریخ احزاب سیاسی ایران (۱۳)

ابتدای سال ۱۴۰۱ و بعد از پیشنهاد یکی از جوانان حزبی مبنی بر تهیه پادکست‌هایی در رابطه با احزاب سیاسی، این ایده در واحد انتشارات حزب اراده ملت ایران شکل گرفت که با توجه به منابع موجود، جای کتابی ساده و موجز اما کامل در حوزه تاریخ احزاب سیاسی ایران خالی است. لذا جلساتی با اساتید صاحب‌نظر برگزار شد تا شاید بتوانیم این نقیصه را جبران نمائیم.

بعد از ساعت‌ها تفکر و تعمق و بررسی الگوهای موجود، تصمیم نهایی بر این شد که کتابی در چهار جلد مجزا و بر اساس روند تاریخی به این موضوع اختصاص یابد. الگوی کار نیز نمونه کتاب‌های تاریخ برای جوانان و نوجوانان نشر ققنوس قرار داده شد که نثری روان همراه با توضیحات ساده و موجز داشتند.

برای اینکار گروهی پنج نفره از جوانان حزبی در قالب کارگروه تاریخ احزاب سیاسی ایران در حزب شکل گرفت و ایشان تحت نظارت یک استاد شناخته شده تاریخ، کار بررسی منابع و مآخذ را برای تدوین این مجموعه چهار جلدی آغاز کردند.

با توجه به کثرت منابع و مآخذ و وسواس‌هایی که معمولاً در این گونه کارها وجود دارد، فرایند تدوین این مجموعه چهار جلدی به طول انجامید. لذا بر آن شدیم با استفاده از فضایی که نشریه حزب در اختیار ما قرار می‌داد، بخش‌هایی از این کتاب را به تدریج برای خوانندگان محترم منتشر کنیم تا زمانی که متن کامل کتاب‌ها آماده شود.

(در بخش‌های قبلی این نوشتار بعد از بحث تعاریف و اصطلاحات مرتبط با احزاب سیاسی و وضعیت احزاب در قفقاز و عثمانی، به شکل گیری احزاب سیاسی در ایران قبل و بعد از انقلاب مشروطه پرداختیم. سپس به احزاب در مجالس مشروطه توجه نمودیم. اینک بخش سیزدهم این نوشتار تقدیم می‌گردد.)

بخش سیزدهم:

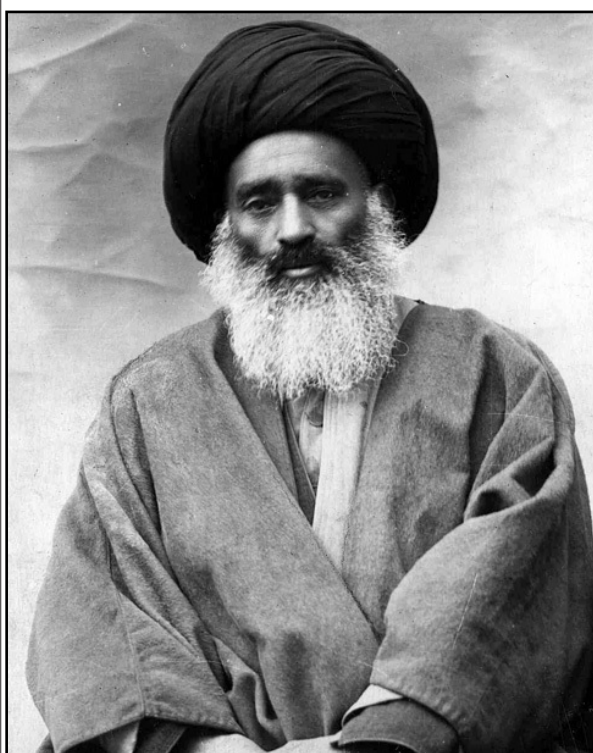
در این بخش می‌پردازیم به حزب اعتدالیون و انشعابات که در جریان اعتدالی رخ داده است.

انشعاب در اعتدالیون: اجتماعیون اعتدالیون

از فرقه اجتماعیون اعتدالیون به نام‌های اعتدالی و اعتدالیون نیز یاد شده است که در مقابل فرقه اجتماعیون عامیون قرار داشت. زمینه تشکیل این حزب، به فعالیت گروه میانه‌رو در دوره اول مجلس شورای ملی (۱۳۲۴-۱۳۲۶) بازمی‌گردد، ولی در عمل پیش از گشایش مجلس دوم، با هدف مقابله با اقدامات رادیکال حزب دموکرات تشکیل شد.

از جمله اعضا و هواداران برجسته حزب اجتماعیون اعتدالیون می‌توان به سید عبدالله بهبهانی، سید محمد طباطبایی، سردار محبی، محمدولی

خان سپهدار تنکابنی، ناصرالملک، و عبدالحسین میرزا اشاره کرد. محمد تقی بهار از محمدصادق طباطبایی، علی محمد دولت‌آبادی، علی اکبر دهخدا، قوام‌الدوله شکرالله‌خان، و حاج‌آقای شیرازی به‌عنوان رهبران حزب نام برده است اما به گفته مهدی ملک‌زاده، مرتضی قلی‌خانی طباطبایی نایب، در مجلس، رهبر حزب معرفی شد، گرچه رهبر واقعی آن محمدصادق طباطبایی بود. از حاج‌آقای شیرازی به‌عنوان رهبر حزب نیز یاد شده است. با توجه به ترکیب رهبری، حزب اجتماعیون اعتدالیون نماینده اشراف زمین‌دار و طبقه متوسط سنتی شمرده شده است. از تشکیلات اجتماعیون اعتدالیون اطلاع چندانی در دست نیست. گفته شده است که این حزب شعبه‌هایی فعال حزب در مازندران، اصفهان، کرمانشاه، کرمان، تبریز، اراک و مشهد برقرار کرده بود. نخستین مرام نامه حزب در هفت ماده منتشر شد و با انتقاد نظریه پرداز دموکرات‌ها -محمدامین رسول‌زاده- روبه‌رو شد. او اعضای حزب را اعیان و اشراف دانست و به نام و طبقه اجتماعی حزب حمله کرد و سپس در پاسخ به انتقادات، مرام‌نامه مفصل حزب، با محورهایی همچون عدالت، آزادی، اصلاحات، روابط خارجی، سیاست بین‌المللی، تعدیل میزان ارزاق، منع انحصار، دیانت، و اخلاق، در ۴۹ فصل منتشر شد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

گفته شده است که نشریه های «انقلاب» «شوری»، «وقت»، مجلس ارگان های حزب اجتماعیون اعتدالیون بودند. اجتماعیون اعتدالیون در مجلس دوم موفق به کسب برتری در قیاس با دیگر احزاب - به ویژه رقیب اصلی خود حزب دموکرات - شد. اجتماعیون اعتدالیون در مجلس دوم ۳۶ عضو داشت و به سبب داشتن «روش ملایم تر» و مخالفت با شعارهایی همچون «کشتن و از میان بردن مستبدان و ارتجاعی ها»، از میان روحانیان، اعیان، و نمایندگان مجلس، هوادار یا عضو جذب کرد. حمایت دو تن از مؤثرترین سیاستمداران آن دوره سبب برکشیده شدن حزب شد: محمدولی خان تنکابنی (ملقب به سپهدار اعظم) رئیس هیئت وزرا بود و ابوالقاسم خان فراغزلو کبودرآهنگ (ملقب به ناصرالملک) سمت نایب السلطنه احمدشاه را داشت. پس از خلع محمدعلی شاه و آغاز پادشاهی احمدشاه دوازده ساله، عضدالملک نایب السلطنه شد و پس از درگذشت وی، در سال ۱۲۸۹ مجلس رأی به انتخاب ناصرالملک به عنوان نایب السلطنه داد. ناصرالملک مجموعاً ۴۶ ماه نایب السلطنه ایران بود.

پس از انحلال دور دوم مجلس شورای ملی، حزب اجتماعیون اعتدالیون به دو دسته «آزادی خواه» و «روحانی» تقسیم شد. حزب اجتماعیون اعتدالیون در سومین دوره مجلس شورای ملی (۱۳۳۳-۱۳۳۴)، به رغم حضور دو عضو روحانی و برجسته خود، سید محمدصادق طباطبایی و سید علی محمد دولت آبادی، در مقابل حزب دموکرات در اقلیت قرار گرفت. در این دوره از مجلس، بسیاری از اعضای آن به احزاب دیگر پیوستند و برخی از اعضا نیز، چون علی اکبر دهخدا، اسدالله کردستانی،

نصرت السلطان و محسن انصاری - که نماینده مجلس نبودند - از حزب اجتماعیون اعتدالیون کناره گرفتند. به نظر می رسد دلیل این امر، ضعف مبانی نظری، ضعف رهبری و انشعاباتی بود که پیش از مجلس سوم صورت گرفت. همچنین جدایی اعضای روحانی حزب، چون سید حسن مدرس، که رهبری حزب تازه تأسیس «هیأت علمیه» را در مجلس سوم به دست گرفت، در تضعیف حزب اجتماعیون اعتدالیون بی تأثیر نبود. با وقوع جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) و اشغال ایران، که مقارن با دور سوم مجلس شورای ملی بود، طرفین جنگ (متفقین و متحدین) کوشیدند تا حمایت نمایندگان مجلس را به دست آورد که در پی آن، به پیشنهاد کاردار آلمان، حزب دموکرات با حزب اجتماعیون اعتدالیون به رهبری محمدصادق طباطبایی به نفع آلمان ائتلاف کردند ولی این ائتلاف چندان نپایید.

در پی پیشروی روس ها به تهران، نیروهای حزب دموکرات و بسیاری از اعضای حزب اجتماعیون اعتدالیون، به هواخواهی از متحدین (آلمان و متحدانش)، از تهران مهاجرت کردند و به سبب ضرورت جنگ، بار دیگر با هم ائتلاف کردند و دو حزب دموکرات و اجتماعیون اعتدالیون را منحل نمودند. به رغم تلاش برخی از اعضای حزب، چون سید محمد اسلامبولچی و حاج محمدتقی بنکدار، برای شرکت در انتخابات، در مجلس چهارم این حزب فعالیتی نداشت.

حزب اجتماعیون اعتدالیون، در مقابل حزب دموکرات دست به ائتلاف سازی زد و همراه با احزاب «اتفاق و ترقی» و «ترقی خواهان جنوب» ائتلافی با نام «هیئت مؤتلفه» تشکیل داد.





رویدادهای منتخب جهان



جهان در هفته‌ای که گذشت

منطقه ایفا می کند. سفیر ایتالیا در کویت به اقداماتی برای فراهم کردن زمینه برای سفر مقامات ایتالیایی به کویت پیش از پایان سال جاری اشاره کرد. وی اعلام کرد که ایتالیا به زودی با اعطای روادید بلندمدت شنگن به شهروندان کویتی موافقت خواهد کرد.

بازداشت ۳۲ فلسطینی در کرانه باختری



طبق بیانیه باشگاه اسیران فلسطینی، ارتش اسرائیل روز سه شنبه در کارزاری گسترده در نقاط مختلف کرانه باختری ۳۲ فلسطینی را بازداشت کرد. به گزارش «آنا تولی» در این بیانیه آمده است: اسرائیل کارزار گسترده‌ای را در الخلیل، بیت لحم، رام الله، نابلس، قلقیلیه و جنین برای بازداشت فلسطینیان به راه انداخت. طبق این بیانیه، در بین بازداشت شدگان، اسرای سابق فلسطینی نیز دیده می شوند. این بیانیه می افزاید: تعداد موارد ثبت شده بازداشت (شامل بازداشتی های آزاد شده) از ابتدای سال جاری از ۵ هزار نفر بیشتر است.

انجام نخستین پرواز مستقیم از عربستان به اسرائیل



به گزارش ایلنا به نقل از اسپوتنیک، نخستین پرواز مستقیم از عربستان سعودی به تل آویو از زمان اعلام بازگشایی حریم هوایی این کشور به روی هواپیماهای اسرائیلی صبح دیروز - سه شنبه - انجام شد. روزنامه یدیعت احارونوت نوشت: «یک هواپیمای جایگزین متعلق به شرکت ایر سیشل از دبی برای انتقال ۱۲۸ مسافر اسرائیلی از شهر جدّه که هواپیمای حامل آنها روز گذشته در این شهر به دلیل نقص فنی فرود اضطراری داشت، به پرواز درآمد». این نخستین پرواز مستقیم یک هواپیمای مسافربری از یکی از شهرهای عربستان به سرزمین های اشغالی است. وزارت خارجه

قاچاق سلاح و مواد مخدر با پهپاد از سوریه به اردن



به ادعای مقامات اردنی، هواپیماهای بدون سرنشین که از خاک سوریه بلند می شوند چندی است که فراتر از مواد مخدر، اسلحه به این کشور قاچاق می کنند. مقامات نظامی اردن می گویند یک پهپاد را که از خاک سوریه بلند شده بود بر فراز حریم هوایی خود سرنگون کرده اند. ارتش اردن روز دوشنبه با اعلام این مطلب یادآور شد که سرنگونی پهپاد یاد شده سومین حادثه مشابه در این کشور طی ماه جاری بوده است. مقامات اردنی همچنین مدعی شده اند که افزایش قاچاق سلاح از طریق مرزهای این کشور به نگرانی ها در خصوص تهدید تازه از سوی برخی کشورهای منطقه که فراتر از مواد مخدر است دامن می زند. در بیانیه ارتش اردن آمده است که پهپاد تازه سرنگون شده در حریم هوایی این کشور رهگیری شده بود؛ با این حال ارتش اردن در خصوص محموله این پهپاد روشننگری نکرده است. به ادعای مقامات اردنی، هواپیماهای بدون سرنشین که از خاک سوریه بلند می شوند چندی است که اسلحه و همچنین مواد مخدر به این کشور قاچاق می کنند. مقامات اردنی می گویند که استفاده روزافزون از پهپادهای حامل مواد منفجره، به جنگ بی امان میلیارد دلاری علیه مواد مخدر در آن سوی مرزها ابعاد تازه ای بخشیده است. دولتمردان اردن، کشوری که از متحدان سرسخت آمریکاست شبه نظامیان تحت حمایت برخی کشورهای منطقه را که بر جنوب سوریه تسلط دارند، عامل اصلی قاچاق سلاح و مواد مخدر معرفی می کنند.

ایتالیا ۳ جنگنده به کویت تحویل می دهد



کارلو بالدوچی، سفیر ایتالیا در کویت گفت که کشورش در ماه سپتامبر، ۳ جنگنده یوروفایتر به کویت تحویل خواهد داد. به گزارش الخلیج آنلاین، این پنجمین محموله تحویل جنگنده به کویت است که شمار جنگنده های یوروفایتر این کشور را به ۱۲ جنگنده افزایش می دهد. بالدوچی تأکید کرد که کویت شریک محوری ایتالیا است همان طور که نقش مهمی در ثبات



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹
۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

آن، وزارت خارجه لیبی با انتشار بیانیه‌ای تأکید کرد که منقوش به سیاست دولت لیبی حاضر به دیدار با نمایندگان اسرائیلی نشده است. این دیدار که با وساطت وزیر خارجه ایتالیا انجام شده، نخستین دیدار میان وزرای خارجه لیبی و اسرائیل در تاریخ است. در واکنش به این اظهارات، نجوی وهیبه، سخنگوی شورای ریاستی لیبی، از دولت وحدت ملی این کشور خواست که درباره این دیدار به شورا توضیح بدهد و بر اساس قوانین جاری با این اقدام برخورد کند. شورای عالی حکومتی لیبی نیز از این دیدار ابراز شگفتی کرد و خواستار برخورد با دست‌اندرکاران آن شد.

امارات: عضویت در بریکس آسیبی به روابطمان با غرب نمی‌زند



عبدالله بن طوق المری، وزیر اقتصاد امارات گفت که پیوستن کشورش به بریکس، آسیبی به روابط امارات با کشورهای غربی وارد نمی‌کند. به گزارش الشرق، وی گفت که به نظر امارات، عضویت در بریکس، فرصتی برای توسعه تجارت در جهت ورود بیشتر سرمایه در بانک توسعه جدید وابسته به بریکس است. وزیر اقتصاد امارات گفت که واقع‌بینانه، مبالغ بیشتری پرداخت خواهیم کرد و در واقع سرمایه در این بانک وارد خواهیم کرد. وی تصریح کرد که اقدام بزرگی خواهیم کرد و بر غرب نیز متمرکز خواهیم بود، ما به دنبال صلح و شکوفایی هستیم و با این وضعیت اقتصاد و تجارت برقرار خواهد بود. المری اظهار داشت که رفتن به جنوب جهان، مهم‌ترین جنبه‌ای است که ما هم‌اکنون بر آن تمرکز داریم و این جنبه رشد خواهد کرد، در حالی که تلاش‌هایمان در تجارت را افزایش می‌دهیم و این همان چیزی است که بر آن تمرکز خواهیم کرد. وزیر اقتصاد امارات گفت که کشورش میان ذخایر ارزی و ارزهای تجاری تمایز قائل است و بسیاری از تجارت‌ها را با دلار انجام خواهد داد. وی افزود که عضویت در بریکس گام بزرگی برای امارات به‌شمار می‌رود و به حمایت چندجانبه امارات به جهان کمک خواهد کرد. امارات جزء شش کشوری است که هفته گذشته درخواست‌هایی برای پیوستن به بریکس دریافت کرده است.

سفر ۳ عضو کنگره آمریکایی به مناطق تحت کنترل شورشیان سوریه



سه عضو مجلس نمایندگان آمریکایی که یکشنبه به منطقه‌ای در شمال سوریه سفر کردند که تحت کنترل شورشیان مخالف بشار اسد، رئیس‌جمهوری این کشور است. به گزارش خبرگزاری فرانسه جو ویلسون، ویکتور با اسپار تز و دین فیلیپس از ترکیه به شهر اعزاز در شمال غربی سوریه رفتند. آنها با عبور از گذرگاه مرزی باب اسلام به سمت این شهر حرکت کردند تا از یکی

رژیم صهیونیستی اعلام کرد که با مسافران هواپیما، شرکت هواپیمایی و طرف‌های ذی ربط در سامانه اسرائیل برای پایان فوری این وضعیت در تماس است. شرکت ایر سیشل اعلام کرد که یک فروند هواپیمای متعلق به این شرکت که عازم تل‌آویو بوده است، به دلیل نقص فنی هواپیما در فرودگاه جده به زمین نشست.

تعليق حکم حبس عمران خان



به گزارش گاردین، دیوان عالی پاکستان حکم حبس نخست‌وزیر پیشین این کشور را معلق کرد. وکیل «عمران خان»، نخست‌وزیر پیشین پاکستان، گفت که دادگاه عالی اسلام‌آباد محکومیت اخیر وی را به اتهام فساد به حالت تعلیق درآورده است، هر چند مشخص نیست که آیا این امر منجر به آزادی وی از زندان خواهد شد یا خیر. الجزیره گزارش داد که دادگاه عالی اسلام‌آباد دیروز - سه‌شنبه - دستور آزادی خان را به قید وثیقه صادر کرد. خان ۷۰ ساله در ۵ آگوست توسط دادگاه بدوی به دلیل فروش غیرقانونی هدایایی که از دولت‌ها و رهبران خارجی در دوران نخست‌وزیری خود بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲ دریافت کرده بود، محکوم شد.

دادگاه پاکستان نخست‌وزیر سابق این کشور را از اتهامات مربوط به فتنه‌انگیزی و قتل تبرئه کرد. وکیل «عمران خان»، نخست‌وزیر پیشین پاکستان روز - دوشنبه - گفت: «دادگاه پرونده فتنه و قتل علیه عمران خان را رد کرد.» نخست‌وزیر سابق پاکستان پس از رأی عدم اعتماد پارلمان و برکناری‌اش در آوریل ۲۰۲۲، با بیش از ۱۰۰ پرونده قضائی مواجه شده و هم‌اکنون برای گذراندن سه سال حبس در زندان به سر می‌برد.

تعليق وزیر خارجه لیبی پس از دیدار وی با وزیر خارجه اسرائیل



در پی فاش شدن دیدار وزیر خارجه لیبی با وزیر خارجه اسرائیل در رم، رئیس دولت وحدت ملی لیبی دستور تعلیق فعالیت وزیر خارجه کشورش و آغاز تحقیق در این باره را صادر کرد. به گزارش «الجزیره»، ساعتی پس از آنکه وزیر خارجه اسرائیل اعلام کرد که هفته گذشته در رم «دیداری تاریخی» با «نجاه منقوش» وزیر خارجه لیبی داشته، «عبدالحمید الدبیه» رئیس دولت وحدت ملی لیبی دستور تعلیق فعالیت منقوش را صادر کرد. هم‌زمان دستگاه اطلاعات داخلی لیبی تأکید کرد که نام منقوش در لیست افراد ممنوع الخروج قرار گرفته است. از سوی دیگر، معترضان اهل لیبی در طرابلس در برابر دفتر نخست‌وزیر در طرابلس در اعتراض به این دیدار تظاهرات کرده و شعارهایی در حمایت از مسئله فلسطین سر دادند. معترضان همچنین وارد دفتر وزیر خارجه شدند و خواستار برکناری وی شدند. در پی

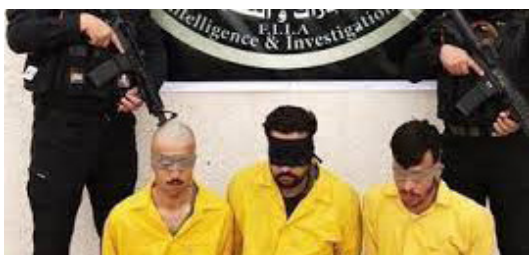
از این نیز فرودگاه حلب چند بار هدف حملات مشابهی قرار گرفته و به مدت چند روز از کار افتاده بود که آخرین آنها در ماه مه گذشته بود.

کشته شدن یک نظامی ترکیه در شمال عراق



وزارت دفاع ترکیه از کشته شدن بنیامین بارلیک، یکی از نظامیان خود در منطقه عملیاتی «پنجه قفل» در شمال عراق خبر داد. به گزارش «آنا تولی» این وزارتخانه روز دوشنبه در بیانیه‌ای اعلام کرد که این فرد روز گذشته بر اثر لغزش و سقوط بر زمین کشته شد. گفتنی است ترکیه در آوریل ۲۰۲۲ عملیات پنجه قفل را ضد مواضع حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) در منطقه متینه، الزابو افشین باسیان در شمال عراق آغاز کرد.

دستگیری ۳ تروریست داعش در بغداد



سازمان اطلاعات عراق از دستگیری ۳ تروریست عضو داعش در پایتخت این کشور خبر داد. به گزارش خبرگزاری رسمی عراق (واع) سازمان اطلاعات عراق روز دوشنبه در بیانیه‌ای اعلام کرد: در راستای اجرای دستورات وزیر کشور مبنی بر تعقیب بقایای داعش و دستگیری آنان و طبق اسناد دقیق اطلاعاتی که توسط یگان‌های مبارزه با تروریسم سازمان اطلاعات عراق در بغداد دریافت شد، کارگروهی برای تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات لازم ایجاد شد. در این بیانیه آمده است: پس از انجام تمامی اقدامات اصولی، یگان‌های مذکور توانستند با ایجاد کمین، ۳ فرد را که طبق احکام ماده ۴ قانون مبارزه با تروریسم تحت تعقیب بودند، دستگیر کنند.

ظهور راست‌گرایان افراطی در صحنه سیاست پر تغال؛ آبا مامن مهاجران به نژاد پرستی می‌گراید



«شگا» سومین حزب بزرگ پر تغال، اگر چه گفتمان زهر آگین نژاد پرستانه و ضد مهاجر را روانه صحنه اصلی سیاست این کشور کرده است، اما با انکار شدید تعلق خود به جریان راست افراطی، ترجیح می‌دهد به عنوان حزبی پوپولیست (عوام‌گرا) در نظر گرفته شود. حزب راست‌گرای تازه تاسیس شگا در سال ۲۰۱۹ موفق به کسب یک کرسی در پارلمان پر تغال شد. این حزب

از بیمارستان‌های اعزاز بازدید کنند. مخالفان دولت سوریه هدف از سفر سه عضو کنگره ایالات متحده را آشنایی با «شرایط مناطق آزاد شده» عنوان کرده‌اند. جو ویلسون، نماینده جمهوری خواه مجلس نمایندگان آمریکا روز جمعه در شبکه اجتماعی «یکس» (توییتر سابق) نوشته بود: «کسانی که به دنبال عادی‌سازی و دستیابی به توافق با بشار اسد هستند با خود مرگ در حال معامله هستند.» گروه «هیئت تحریر الشام» اصلی‌ترین گروه در مناطق تحت کنترل مخالفان بشار اسد محسوب می‌شود. شورشیان سوری کنترل بخش بزرگی از استان ادلب، بخش‌هایی از استان حلب، حما و لاذقیه را در اختیار دارند. واشنگتن گروه «هیئت تحریر الشام» را سازمانی «تروریستی» می‌داند. سفر جو ویلسون، ویکتوریا اسپار ترو و دین فیلیپس به شمال سوریه اولین سفر گروهی از اعضای کنگره آمریکا به این کشور طی شش سال اخیر محسوب می‌شود.

طالبان مانع خروج دانشجویان دختر از افغانستان برای تحصیل در دبی شد



طالبان از زمان تسلط دوباره بر افغانستان، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های زیادی را علیه زنان اعمال کرده است و به سرکوب زنان مخالف می‌پردازد؛ این ممنوعیت‌ها اکنون به مانعی جدی برای دختران جوان تبدیل شده که قصد تحصیل در خارج از کشور را دارند. طالبان پیش از این سفر به تنهایی را برای زنان ممنوع کرده بود و به آنها اجازه داده بود که صرفاً با همراهی شوهران یا دیگر خویشاوندان مرد محرم خود به خارج از کشور بروند. از دسامبر ۲۰۲۲ میلادی پس از اینکه ممنوعیت تحصیل زنان توسط طالبان اعلام شد، بورسیه‌های تحصیلی متعددی از سوی کشورهای مختلف و در خارج از این کشور برای زنان افغان فراهم شد که یکی از آنها، بورسیه تحصیلی در دانشگاه دبی است. به گزارش بی‌بی‌سی جهانی تاکنون در مجموع ۱۰۰ دختر افغان در کسب این بورسیه‌ها موفق بوده‌اند اما عکس‌هایی که بی‌بی‌سی به تازگی منتشر کرده، شماری از آنها را نشان می‌دهد که پس از برخورد طالبان با آنها در فرودگاه، با حجاب یا روسری مشکی کنار چمدان‌های خود در شوک و ناراحتی به سر می‌برند.

از کار افتادن فرودگاه حلب در پی حمله اسرائیل



خبرگزاری رسمی سوریه خبر داد که در پی حمله اسرائیل به فرودگاه بین‌المللی حلب، این فرودگاه از کار افتاده است. یک مقام مطلع نظامی به خبرگزاری رسمی سوریه (سانا) گفت که در حدود ساعت ۴ و نیم بامداد امروز (دوشنبه ۲۸ اوت) اسرائیل از سمت غرب لاذقیه فرودگاه بین‌المللی حلب را هدف قرار داد. این بیانیه افزوده که در این حمله باند فرودگاه آسیب شدیدی دیده و این آسیب در حدی بوده که فرودگاه از کار افتاده است. پیش

احتمال انتصاب مجدد آقای سانچز به عنوان رئیس دولت در رأی گیری اواخر اوت یا اوایل سپتامبر خواهد بود. این وضعیت به حزب پوجدمون (JxCat) این قدرت را داد تا بین ادامه رهبری آقای سانچز در اسپانیا یا برگزاری انتخاباتی جدید در ماه های آینده تصمیم بگیرد.

کدام کشورهای اروپایی تا پایان سال جاری میلادی شاهد برگزاری انتخابات خواهند بود؟



قرار است در مدت زمان باقیمانده تا پایان سال جاری میلادی میلیون ها تن از شهروندان اروپایی به پای صندوق های رأی بروند. علی الخصوص آنکه انتخابات در لهستان و هلند برای اتحادیه اروپا و پایز جایگاه ویژه ای بر خوردار است و می تواند در تصمیم گیری هادر پروکسل نتایجی اثر گذار داشته باشد. برگزاری انتخابات پارلمانی در لهستان برای ۱۵ اکتبر و با حزب در قدرت «قانون و عدالت» Prawo i Sprawiedliwość, PiS (پیس) برنامه ریزی شده است. حزب موسوم به پیس امیدوار به پیروزی در انتخابات، برای بار سوم و ادامه سیاست های ملی گرایانه خود است، سیاست هایی که با حاکمیت قانون و حقوق بشر در تضاد است و دائماً توسط اتحادیه اروپا مورد انتقاد قرار می گیرد. در هلند انتخابات در ۲۲ نوامبر برگزار خواهد شد و انتخابات پیش بینی شده باید جایگزینی برای دولت مستعفی مارک روتته، نخست وزیر هلند بیاید. مارک روتته که به خاطر ۱۲ سال پیپی ماندن در قدرت، آن هم علی رغم رسوایی های متعدد، با لقب «مارک تفلونی» شناخته می شد، با این حال پیش از انتخابات کناره گیری خود را از دنیای سیاست اعلام کرد. در حال حاضر حزب کارگر و سبزها با اتحاد با یکدیگر و گرد هم آمدن در کنار فرانس تیمرمن که پس از ۱۰ سال حضور در کمیسیون اروپا به صحنه سیاست هلند بازگشته است، گرد هم آمده اند. انتخابات پارلمانی دیگری نیز قرار است در تاریخ ۳۰ سپتامبر در اسلوواکی و ۱۸ اکتبر در لوکزامبورگ برگزار شود.

تنها سه سال بعد و در انتخابات عمومی سال ۲۰۲۲ با کسب ۲۰۷ درصد آرا با کسب دوازده کرسی موفق به گسترش حضور خود در پارلمان شد. این ظهوری خیره کننده برای چنین حزب جوان و جنجالی در جمع احزاب راست گرا و پوپولیست اروپایی بود. اگر چه این حزب گفتمانی را مبنی بر ضدیت با مهاجران، دگرباشان جنسی و مسلمانان و همسو با راست گرایان افراطی اتخاذ کرده، اما همیشه منکر تعلق خود به این سوگیری سیاسی شده است. مردم از شرایط اقتصادی کشور ناخشنود بودند و همه گیری کرونا نیز در جریان بود. ظهور چنین حزبی برای بسیاری از ناظران فرای مرزهای پرتغال نیز غافلگیر کننده بود. هایدی بیرپیچ، مؤسس پروژه جهانی علیه افراط گرایی (GRAPHE) در گفتگو با یورونیوز گفت: «بسیاری از مردم نمی دانستند که چنین صحنه بزرگ فعالیتی برای راست گرایان افراطی در پرتغال وجود دارد. از پایان دوران دیکتاتوری آنتونیو ده سالازار در سال ۱۹۷۴ تاکنون، چنین موردی در این کشور وجود نداشته است. به نظر می رسد پرتغال برخلاف رویه در جریان در ایتالیا، سوئد، فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی سر بر آورد. اما ناگهان شگاسر بر آورد و اکنون به سومین حزب محبوب کشور با شانس واقعی برای حضور در دولت در آینده ای نزدیک بدل شده است.

پیروزی سوسیالیست های اسپانیا با کمک حزب پوجدمون؛ افزایش امیدها برای نخست وزیری دوباره سانچز



رانسینا آرمنگول، نامزد حزب سوسیالیست اسپانیاروز پنجشنبه به ریاست مجلس نمایندگان این کشور انتخاب شد؛ پیروزی که نوید انتصاب مجدد پدرو سانچز، نخست وزیر مستعفی را به مقام ریاست دولت می دهد. خانم آرمنگول با ۵۲ سال سن توانست با کسب ۱۷۸ رأی (دور ای بیشتر از اکثریت مطلق) از جمله آرای هفت نماینده حزب ملی گرای کاتالونیا، ریاست مجلس نمایندگان را به دست آورد. خانم آرمنگول به کمک همین توافق توانست رأی هفت نماینده (JxCat) را به دست آورد. احتمال کسب چنین رأی برای ریاست مجلس نمایندگان دور از انتظار نبود و نتیجه آن، نشانه روشنی از



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲



اخبار حزبی





حسن غلامی

hgolami1367@gmail.com

اخبار حزبی

جلسات حوزه‌ها به سمت حضوری شدن می‌رود



هفتاد و پنجمین جلسه هیئت دبیران حوزه‌های حزبی در ۸ شهریور با ریاست احمد حکیمی‌پور برگزار گردید. در این جلسه دبیران حوزه‌ها گزارش جلسات خود با اعضا را ارائه کردند. در این میان بعضی از حوزه‌ها توانسته بودند که جلسات خود را از حالت مجازی خارج نمایند و جلسات حضوری برگزار نمایند. طبیعی است که این پدیده می‌تواند به انسجام بخشی ارتباط بین اعضا حوزه‌ها کمک شایانی نماید.

در این جلسه پیشنهاد شد که حوزه جدیدی با عنوان حوزه اساتید نیز راه اندازی شود و اعضای که در کسوت دانشگاهی هستند در این حوزه مجتمع گردند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

به زودی دو کتاب جدید از انتشارات حزب اراده ملت به چاپ خواهد رسید



انتشارات حزب اراده ملت ایران

دو کتاب فریادی بر دیوار و یک مرد برای چاپ نهایی ارسال شد. طبق گزارش روابط عمومی انتشارات حاما، کتاب فریادی بر دیوار (تألیف زهره حیمی) و یک مرد (تألیف اکبر صمدی) بعد از صفحه بندی نهایی و طراحی جلد برای چاپخانه ارسال شده است. احتمالاً این دو کتاب در مهر ماه به بازار عرضه خواهد گردید.

کتاب فریادی بر دیوار در ۱۰۰ صفحه و به صورت تمام رنگی به چاپ خواهد رسید و مجموعه از از دیوار نوشته‌ها و گرافیتی هائی است که توسط زهره حیمی گلچین و ترجمه شده‌اند. کتاب یک مرد نیز یک داستان اجتماعی است که به شرح وقایع زندگی یک مرد ناکام در تجربه عشقی اش می‌پردازد.

انتشارات حزب دو کتاب دیگر (بالکن رسوایی - پرسه در حوالی سیاست) نیز در دست انتشار دارد که در صف دریافت مجوز از وزارت ارشاد قرار دارند.

ابراز نگرانی دفتر سیاسی حزب از برخورد با اساتید و دانشجویان دانشگاهها



صد و هشتاد و سومین جلسه دفتر سیاسی حزب با حضور اکثریت اعضا در چهارشنبه ۱۵ شهریور ماه به ریاست شمس افزای زاده برگزار گردید. در این جلسه از آقایان فیض، خادمی و تنوری نیز برای حضور در جلسه دعوت به عمل آمده بود.

در این جلسه بازخوردهای اعضا حزب در مورد تصمیم شورای مرکزی در مورد انتخابات مجلس مطرح گردید و پیرامون آن بحث و تبادل نظر صورت گرفت. در مورد مسائل روز نظیر بحث لایحه حجاب و عفاف و حذف اساتید منتقد از دانشگاهها نیز گفتگوهای لازم انجام شد و قرار شد که مخالفت حزب با نحوه برخورد با اساتید به صورت یادداشتی در نشریه ارگان رسمی حزب منعکس شود.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

گردهمایی سالانه حزب باز هم به تعویق افتاد

گردهمایی سالانه حزب که برای دهم شهریور ماه پیش بینی شده بود به تعویق افتاد. ظاهراً تلاش مسئولین حزب برای اجاره سالن مناسب در شهر تهران عامل اصلی این قضیه بوده است.

طبق مصوبه شورای مرکزی حزب قرار بود که دهم شهریور ماه گردهمایی سالانه اعضا حزب (مجمع عمومی سالانه) برگزار شود ولی هیچ کدام از سالن هایی که با ایشان تماس گرفته شد، حاضر نشدند که در این ماه مکانی را برای یک گردهمایی سیاسی در اختیار قرار دهند. در تماس هایی که با آنها صورت گرفت، علی رغم قبول اولیه و مشخص سازی شرایط و قیمت، در ادامه خود را از دادن سالن برای امور سیاسی به یک حزب معذور اعلام می کردند. مکان های دولتی نیز معمولاً از دادن سالن برای مراسمات حزبی امتناع می ورزند.



شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

آموزش تشکیلاتی (۷)

نوجه گری و نوجه پروری

زهره رحیمی
مسئول کمیته آموزش و توانمند سازی

می توان پیرامون این مسئله که افرادی با شخصیت نوجه گری موجب ظهور نوجه پروران می شوند یا برعکس، به بحث و گفتگو نشست. اما معمولاً این شکل گیری ها تعاملی است. یعنی هر دو سوء به ایجاد و تقویت یکدیگر می انجامند. اما در این یادداشت عاملیت، مورد تأکید ما نیست. مهم این است که در یک تشکیلات به ویژه تشکیلات سیاسی که مؤلفه قدرت در آن شاخص و برجسته است، اعضای ارشد و بانفوذ و توانمند، به جای گرایش به سمت کادر سازی و تربیت نیرو، به سمت نوجه پروری حرکت کنند و سوی دیگر هم اعضای تازه وارد، کم تجربه و کم توان تر به جای شخصیت سازی و توانمند شدن، به سمت نوجه شدن روی آورند. چنین شرایطی، هنگامی بیشتر مهیامی شود که افرادی علی رغم توان و بینش و مهارت و تعلق تشکیلاتی سوگیرانه، از اختیارات و جایگاه هایی برخوردار شوند و در مناسباتی قرار گیرند. آنها چون همیشه موقعیت خویش را در معرض تهدید می بینند برای به اصطلاح حفظ آن وضعیت، اقدام به ایجاد چنین روابطی می کنند که مبتنی بر ارادت های بی پشتوانه و سرسپردگی است. این امر دستیابی تشکیلات به اهداف سازمانی خود را به شدت به مخاطره می اندازد، چرا که بنیان یک تشکیلات سیاسی فراگیر را بدنه انسانی آن تشکیل می دهند و چنانچه روابط و تعامل آنها مبتنی بر گزاره های سالمی نباشد، تشکیلات از پایه لغزان خواهد بود. چنانچه در نهادها، افرادی برای حفظ موقعیت، جایگاه یا قدرتی بیشتر شروع به جمع کردن هواداران در اطراف خود کنند که در مواقع ضروری، قدرت آنها را بی هیچ مبنای منطقی و عقلایی تضمین کند و به ازایش خرده منافع را برای این هواداران تأمین نمایند، چرخه نوجه گرایی آغاز می شود. در چنین مناسباتی علاوه بر اینکه استقلال فکری و عملی افراد نوجه گر به شدت مخدوش می شود، آنها را به رفتارهایی چون خبرچینی، چاپلوسی، مجیز گوئی، دورویی، تخریب، اغراق و دروغ هدایت می کند. فرد نوجه پرور نیز به جای اینکه از توان و مهارت خویش در راستای کادر سازی و نیرو سازی بهره بگیرد به دام گرد هم آوردن هواداران شخصی آن هم از راه های ناسالم و منفی می افتد. احترام به ارزش ها و توانایی ها در عین ارج نهادن به تلاش های هر چند اندک نیروها می تواند از این تهدید بکاهد. هر یک از دو طرف فرایند نوجه گرایی؛ چه نوجه جان و چه نوجه پروران نیز با تحول رفتاری می توانند به تضعیف سوی دیگر و روند بهبود اوضاع یاری رسانند.



پیشنهاد و معرفی

در دنیای پیچیده امروز، دیگر سانسور فقط جلوگیری از عرضه محصولات فرهنگی یا تغییر دادن آنها نیست بلکه غوطه ور کردن انسان ها در سیلاب اطلاعات بی اهمیت و نامربوط، نیز نوعی سانسور پنهان را برای ما ایجاد میکند. در بخش معرفی و پیشنهاد نشریه اراده ملت هدف ما این است که از میان این انبوه محصولات فرهنگی، گزیده هایی را برای شما برگزینیم تا بدین وسیله توجه تان را معطوف به آثار و وقایعی نمائیم که ممکن است حتی از دید تیزبین شما گرامیان دور مانده باشد.

این شماره میردازیم به:

- ۳۷..... معرفی سریال خدمتکار
- ۳۸..... معرفی کتاب رولت سرخ
- ۳۹..... نگاهی به ابراهیم گلستان نویسنده، مترجم، روزنامه نگار و
- ۴۰..... نگاهی به سرنوشت رهبر واگنرها
- ۴۲..... نگاهی به سرنوشت رهبر واگنرها
- ۴۳..... بررسی موسیقی آمریکا از دیدگاه سیدنی فینکلشتاین
- ۴۴..... شعر امروز از مادرزاده ام
- ۴۵..... نگاهی به نمایشنامه لانه خرگوش
- ۴۶..... نگاهی به عکسی از سحابی حلقه
- بررسی اینفوگرافی در مورد صنعت و نوآوری



یک دم‌رهایی



راضیه گمار

r.gomar901@gmail.com

نام اثر: خدمتکار (Maid)

ژانر: درام

سازنده: مولی اسمیت متزلر

کشور سازنده: ایالات متحده

زبان: انگلیسی

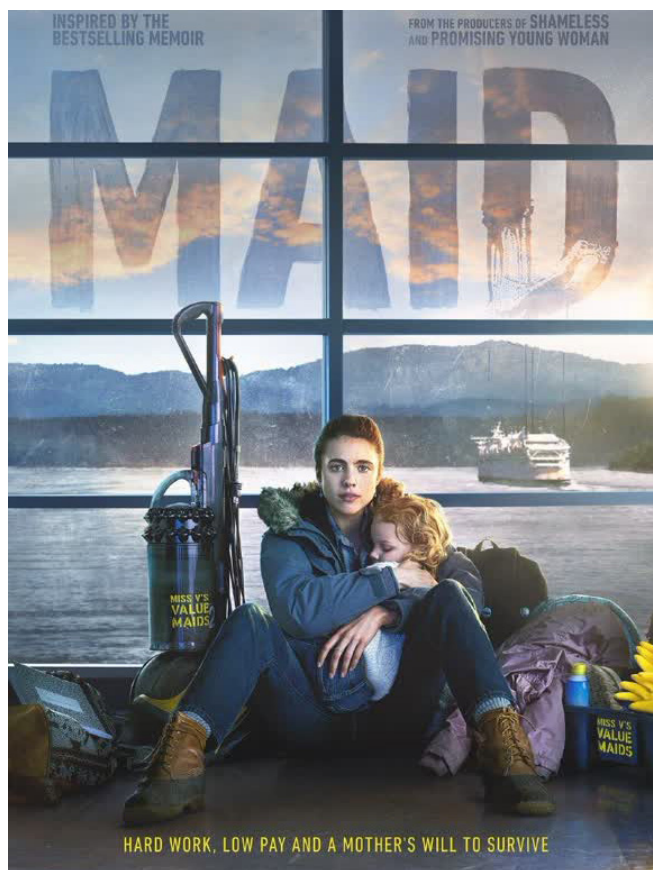
شماره قسمت: ۱۰

سریال خدمتکار (MAID) مجموعه‌ای در ژانر درام که خاطرات خانم استفانی لند را به تصویر می‌کشد. این مینی سریال توسط مولی اسمیت متزلر ساخته شده است و در ۱۰ قسمت نمایش داده می‌شود.

خانم لند پس از شش سال کار کردن در کسوت خدمتکار منازل، به مونتانا رفت و از وام‌ها و کمک‌های دانشجویی برای شروع درس خواندن استفاده کرد. در آن زمان او برای اولین بار نوشتن را آغاز کرد و آثارش را در کتاب «خدمتکار: کار سخت، دستمزد کم و اراده مادری برای زنده ماندن» به رشته تحریر درآورد که از سوی روزنامه‌های واشنگتن پست، فوربس همچنین از سوی باراک اوباما، رئیس جمهور وقت آمریکا مورد تمجید قرار گرفت.

یک سریال خوش ساخت، اجتماعی و یک درام سیاه و تلخ که حقایق از اجتماع را که در یکی از متمدن ترین کشورهای دنیا در حال وقوع است به نمایش می‌گذارد. این سریال بی‌پرده، از سیاهی‌های زندگی، از قوانین اشتباه حمایت از زنان و از بوروکراسی ناقص و پر از مشکل اداری صحبت می‌کند. این سریال داستان زنی به نام آلکس است که همراه با مدی دختر ۲ ساله‌اش از دست همسر خود فرار کرده تا بلکه بتواند از شر آزارهای روحی این آدم همیشه مست خلاص شود. اما این فرار آغاز یک راه بی پایان است راهی که برای قدم گذاشتن به آن هر کسی نمی‌تواند شجاعت او را داشته باشد.

آلکس نمونه کاملی از یک زن صادق و ناآگاه است که خود قربانی یک زندگی متلاشی شده است، مادر او از پدرش جدا شده و یک زن بی‌خانمان است. یک داستان شخصی صمیمی که پایان آن یک پیروزی محسوب می‌شود و می‌توان انسانیت را در آن پیدا کرد.

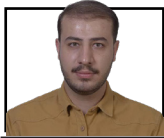


هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

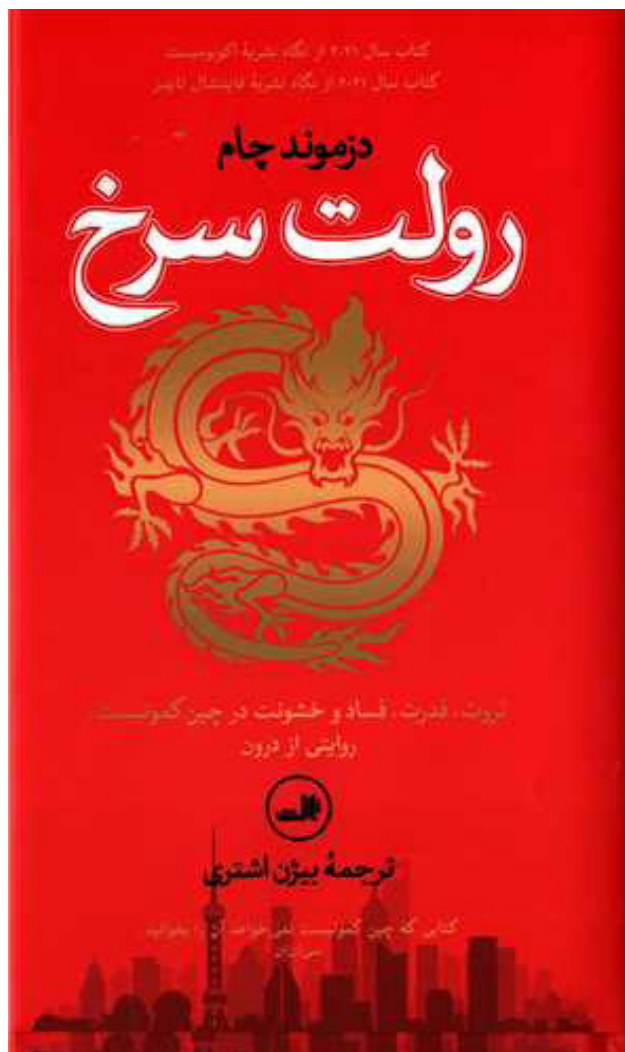
ثروت، قدرت، فساد و خشونت در چین کمونیست



علیرضامیر

Malmira287@gmail.com

نام کتاب: رولت سرخ
نویسنده: دزموند چام
مترجم: بیژن اشتری
نشر: ثالث
تعداد صفحه: ۴۶۲



یک نگاه درون کاوانه نادر درباره نخبگان رانت خوار چینی که از راه تماس با اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست میلیاردها دلار به جیب زده‌اند. کتاب روایتگر دنیای رولز رویس ها، جت های خصوصی و قایق های تفریحی چندصد میلیون دلاری در چین کمونیست است. نویسنده با جزئیات دقیق نحوه کار حزب کمونیست چین و میلیاردرهایی را که پرورانده شرح می دهد. در این کتاب، نویسنده به تصویر کاملی از زندگی خود و همراهانش می پردازد. ویتنی، همسر دزموند، حدود چهار سال پیش ناپدید شده بود و تا به حال اسرار او باقی مانده است. در ادامه داستان، شما به چگونگی تلاش دزموند برای یافتن همسر خود و همکارانش و تحقق احساسات او در برابر سیستم فاسد چین، پی خواهید برد. دزموند در این کتاب ضمن توضیح دادن موقعیت هایش و ارتباطاتش با اشراف سرخ، از قدرت بسیاری که این افراد در کشور چین دارند و چگونگی تعامل با آن ها، نیز به تفصیل صحبت می کند. او بر پایه تجربه شخصی خود، به گونه ای مفصل بر روی سیاست فاسد، تقلب های دولتی، نقص های بنیادی و دایره بازار و فساد در قالب و اقتصاد چین تمرکز می کند.

در کل، رولت سرخ یک کتاب گیرا، پر جنب و جوش با محتویات از داستان زندگی دزموند و مسیر آن به سمت قدرت و ثروت است. به دلیل داستان واقعی آن و استفاده از زبانی ساده و روان، این کتاب برای همه کسانی که به دنبال خواندن داستان های تجربی و جذاب هستند، بسیار مفید است.

بخشی از کتاب:

حالا که به گذشته نگاه می کنم، ناپدید شدن لی پینگ، مدیر کل فرودگاه بین المللی پکن، در ۲۰۰۶ و سپس اعلام رسمی دستگیری او به اتهام فساد مالی می بایست زنگ های خطر را برای ما به صدا درمی آورد. پس از دستگیری لی پینگ، نظام فرد دیگری را به عنوان مدیر کل جدید فرودگاه پکن معرفی و منصوب کرد. زمانی که پینگ مدیر بود، همه تصمیمات را خودش می گرفت. موقعی که او دستوری می داد، همه زیردستانش از آن تبعیت می کردند. البته مجبور می شد گاهی فریاد بزنند، تهدید کند، مجاب کند، اما در هر حال کار انجام می شد. فردی که جانشین لی پینگ شد، مخلوق یک سیستم تازه بود. حالا همه چیز بروکراتیزه شده و حکومت تک نفره جای خود را به تصمیم گیری اشتراکی داده بود. ما قبلا با یک مدیر کل طرف بودیم اما حالا با مجموعه زیردستانش باید سروکله می زدیم. آن ها به ما گفتند که کمیته هایی برای بررسی کارمان تشکیل شده و ما باید مجوزهای لازم را از این کمیته ها بگیریم. ما در پروژه مان دو شریک داشتیم: فرودگاه و منطقه شونئی. خوشبختانه به خاطر کمکی که به جراحی قلب رئیس منطقه شونئی کرده بودم، هیچ مشکلی با این شریک کاری ام نداشتم اما روز به روز گرفتاری هایم با آن یکی شریکم، فرودگاه، بیش تر می شد.

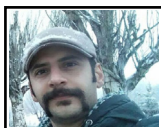


هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹۵

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

گلستان در شیراز



حامد نامجو

Hamed.namjoo@gmail.com

معروف جهان برای نشریه روزانه «اخبار هفته» گذراند و مدتی هم دبیر این نشریه بود. همچنین با مجله انگلیسی دیلی نیوز همکاری داشت. فعالیت گلستان تا سال ۱۳۳۳ در این اداره ادامه پیدا کرد تا اینکه اداره امور دایره تهیه عکس و خبر کنسر سیوم نفت را بر عهده گرفت. وی پس از سال ۱۳۳۶، استودیوی سینمایی خود را با نام «استودیو گلستان» تأسیس کرد و تعدادی فیلم مستند برای یکی از سازمان های شرکت نفت ساخت. یک آتش و موج و مرجان و خارا از این جمله اند.

گلستان کارگردان دو فیلم داستانی با نام های خشت و آینه (۱۳۴۴) و اسرار گنج دره جنی (۱۳۵۰) نیز بوده است. وی همچنین تهیه کننده فیلم خانه سیاه است به کارگردانی فروغ فرخزاد بوده است. گلستان آغازگر نوعی جدید از داستان نویسی در ایران است. او مجموعه داستان هایی مرتبط با هم را خلق می کرد. گرچه این سبک در غرب سابقه ای طولانی داشت، اما آن زمان در ایران کاملاً جدید بود. گلستان در داستان هایش از نثر آهنگین استفاده کرده است. همه این ویژگی های قابل توجه در آثار گلستان، از اونقشی پررنگ در پیشرفت داستان معاصر فارسی به جا گذاشته است. گلستان در سال ۱۳۴۶ موقتاً به انگلستان مهاجرت کرد و در سال ۱۳۵۰ به ایران بازگشت، اما در سال ۱۳۵۶ برای همیشه ایران را ترک کرد و مقیم انگلستان شد.

ابراهیم گلستان با نام اصلی سید ابراهیم تقوی شیرازی داستان نویس، مترجم، روزنامه نگار، عکاس، منتقد و کارگردان بود. او ۲۶ مهر ۱۳۰۱ در شیراز متولد شد. پدرش روزنامه نگار و مؤسس روزنامه گلستان در شیراز بود. ابراهیم گلستان کمتر از ۱۴ سال داشت که زبان های عربی و فرانسوی را آموخت. او تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شیراز گذراند و در ۱۹ سالگی راهی تهران شد و تحصیل در رشته حقوق در دانشگاه تهران را شروع کرد. او در ۲۱ سالگی با دختر عمویش، فخری گلستان ازدواج کرد.

در دوره دانشجویی به عضویت حزب توده درآمد و تحصیل را نیمه کاره رها کرد. او از سال ۱۳۲۳ به عنوان عکاس روزنامه های رهبر و مردم حزب به کار مشغول شد. همچنین او یک سال به عنوان مسئول حزب توده در مازندران شرقی در شاهی مازندران زندگی کرد و بین کارگران به فعالیت حزبی پرداخت. ابراهیم گلستان در سال ۱۳۲۶ از حزب توده جدا شد. او در همین سال اولین مجموعه داستانی خود با نام «به دزدی رفته ها» را منتشر کرد. در همین دوران بود که گلستان به آبادان نقل مکان کرد تا انتشارات «شرکت نفت ایران و انگلستان» را اداره کند. او در سال ۱۳۳۰ مترجم دیلن تامس بود که برای نوشتن مطالب تبلیغاتی برای شرکت نفت به آبادان رفته بود. گلستان در زمان فعالیت در این اداره، مدتی را به ترجمه رمان های



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲



سرنوشت یکسان دست‌های دیکتاتور



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹۵

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

حالی که اتحاد جماهیر شوروی رو به زوال بود، او به سن پترزبورگ بازگشت. پریگوژین کار خود را با فروختن هات‌داگ شروع کرد. اما پریگوژین هدفش را بالاتر از صنعت فست‌فود قرار داده بود و می‌دانست چگونه ارتباطات مورد نیاز خود را برقرار کند. دیری نگذشت که پریگوژین سهمی در سوپرمارکت‌های زنجیره‌ای داشت و در سال ۱۹۹۵ به این نتیجه رسید که زمان افتتاح یک رستوران با شرکای تجاری‌اش فرا رسیده است. ستاره‌های پاپ و تاجران دوست داشتند در رستوران‌های او غذا بخورند. پوتین نیز از این قاعده مستثنی نبود. او می‌توانست برای خشنود کردن هر کسی، برنامه‌ای داشته باشد و این قطعاً یکی از استعدادهای او بود. دیری نپایید که پریگوژین از طریق شرکت Concord، هلدینگ که او در دهه ۱۹۹۰ تأسیس کرده بود، قراردادهایی را برای انجام رویدادهای مهم دولتی به‌دست آورد. گام بعدی قرار دادهای کلان دولتی بود. رسانه‌های روسی با استناد به سوابق ثبت مالی روسیه گزارش دادند که در سال ۲۰۱۲، او بیش از ۱۰۵ میلیارد روبل (۲۰۰ میلیون پوند) قرارداد برای تهیه غذا به مدارس مسکو گرفت.

زمانی که روسیه کریمه را در مارس ۲۰۱۴ ضمیمه کرد و بلافاصله پس از آن در شرق اوکراین مداخله نظامی کرد، باوجود اینکه شرکت‌های نظامی خصوصی در روسیه غیرقانونی بودند، اما چندین گروه به وجود آمدند که به نظر می‌رسید اقدامات خود را با وزارت دفاع هماهنگ می‌کردند. واگنر تا حد

مقامات روسی گفته‌اند که مؤسس گروه واگنر در هواپیمایی بود که در خارج از مسکو سقوط کرد. پریگوژین پس از سال‌ها فعالیت در سایه، ارتباط خود با گروه واگنر را قبول کرد و تا پیش از شورش از او می‌توان به وضوح به‌عنوان یکی از قدرتمندترین اطرافیان پوتین نام برد. برای کسی که زمانی نزدیک به یک دهه را در زندان گذرانده بود و سپس از هات‌داگ فروشی به مالکیت رستوران‌های زنجیره‌ای و... رسیده بود این یک صعود منحصر به فرد بود. طبق گزارش گاردین در مصاحبه با اطرافیان وی، او فردی باهوش و بی رحم بوده که برای رسیدن به خواسته‌هایش هیچ گاه کوتاه نمی‌آید. کسانی که او را می‌شناختند معتقدند، نه پول و نه قدرت تنها عامل محرک او نبوده است، اگرچه او در این راه مقدار زیادی از هر دو را جمع کرده است. در عوض، آنها می‌گویند که او تحت تأثیر هیجان تعقیب و گریز، با اعتقاد به مبارزه با نخبگان سیاسی فاسد به نمایندگی از مردم عادی و تمایل به درهم شکستن رقبای خود است.

اوگنی پریگوژین در سال ۱۹۶۱، نه سال پس از پوتین، در لنینگراد، سنت پترزبورگ کنونی به دنیا آمد. پدرش در جوانی درگذشت و مادرش در بیمارستان کار می‌کرد. پس از پایان مدرسه با تعدادی از جنایت‌کاران خرده‌پا بازداشت شد. طبق اسناد دادگاه او به ۱۳ سال زندان محکوم شد و تا ۱۹۹۰ را پشت میله‌های زندان گذراند. وی در سال ۱۹۹۰ آزاد شد، در



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

به او وعده مصونیت از تعقیب قضائی و عبور امن به تبعید در بلاروس داده شد. پوتین گفت که نیروهای واگنر به دلیل نقش قهرمانانه خود در جنگ در اوکراین از مجازات در امان هستند.

این بحران نقطه اوج تنش فزاینده بین مقامات ارشد نظامی روسیه و نیروهای واگنر بود که در بسیاری از نبردهای کلیدی در اوکراین شرکت داشتند. در فیلم‌های ویدئویی، پریگوژین اغلب با آنها در خط مقدم تصویر می‌شد. آنها پس از ماه‌ها نبرد با سربازان اوکراینی در ماه می ۲۰۲۳، در هنگام تصرف شهر کوچک باخموت متحمل تلفات متعدد شدند. پس از تصرف شهر ویران شده، پریگوژین افراد خود را بیرون کشید و ویرانه‌های باخموت را به نیروهای رسمی روسیه، که عمدتاً از سربازان ناخواسته تشکیل شده بودند، سپرد. بر خلاف شبه نظامیان واگنر که دستمزد خوبی داشتند، این گروه شامل جنایتکاران بود که قول آزادی از زندان را در صورت پیوستن به ارتش به آنها داده بودند. سبک پوتین این بود که با کارکنان ارشد خود «تفرقه بینداز و حکومت کن» بازی کند، و تا زمان طغیان پریگوژین، رئیس جمهور روسیه هیچ اقدامی برای پایان دادن به دشمنی بین پریگوژین و شویگو انجام نداد. در واقع به نظر می‌رسید که شویگو در حال برنده شدن است. در ۱۴ ژوئن پوتین اعلام کرده بود که نیروهای واگنر تحت کنترل وزارت دفاع قرار خواهند گرفت. پریگوژین با شورش خود ظاهراً امیدوار بود که از ادغام واگنر با ارتش عادی جلوگیری کند و پوتین را در عمل انجام شده گذارد. او همچنین امیدوار بود که سایر ژنرال‌ها را متقاعد کند تا علیه شویگو به میدان بروند تا عملکرد روسیه در میدان‌های نبرد اوکراین را بهبود بخشند. او به‌ویژه می‌خواست حمایت ژنرال سرگئی سوروویکین، فرمانده سابق نیروهای روسیه در سوریه را که با موفقیت در اوکراین جنگیده بود، به‌دست آورد. اما سوروویکین شورش پریگوژین را محکوم کرد و از نیروهای روسیه خواست در برابر آن مقاومت کنند. این ممکن است یک عامل کلیدی در تصمیم پریگوژین برای معامله با پوتین و خنثی کردن قیام بوده باشد.

کمیته تحقیقات روسیه تأیید کرده است که یوگنی پریگوژین، رئیس گروه مزدوران واگنر، در میان افراد کشته شده در سانحه هوایی بوده است. این کمیته گفت که پس از آزمایشات پزشکی قانونی، همه ۱۰ جسد کشف شده در محل شناسایی شده‌اند. این اعلامیه گمانه‌زنی‌ها در مورد سرنوشت پریگوژین را برانگیخت. او به داشتن بدل و استفاده از چندین پاسپورت و لباس مبدل در سفر معروف بود. پیش از این دو بار گزارش‌های نادرستی از مرگ او منتشر شده بود، از جمله پس از سقوط هواپیما در جمهوری دموکراتیک کنگو در سال ۲۰۱۹. در بیانیه روسیه هیچ جزئیاتی در مورد علت سقوط هواپیما که دو ماه پس از شورش کوتاه مدت پریگوژین رخ داد ارائه نکرد.

مقامات آمریکایی و غربی گفته‌اند که این هواپیما احتمالاً بر اثر انفجار عمدی سرنگون شده است که منجر به سقوط آن در میدانی در حدود ۱۸۵ مایلی (۳۰۰ کیلومتری) شمال مسکو شده است. سوءظن‌ها به سرعت متوجه ولادیمیر پوتین شد و مقامات آمریکایی و غربی گفتند که به احتمال زیاد او معمار این حادثه بوده است، زیرا شورش مسلحانه پریگوژین به عنوان جدی‌ترین چالش برای رهبر روسیه در ۲۳ سال تسلط وی بر قدرت شناخته شده است. کرملین ترور پریگوژین را رد کرده و ارزیابی‌های اطلاعاتی غرب از دخالت احتمالی پوتین را «دروغ مطلق» توصیف کرده است. پوتین از آن زمان با صدور فرمانی که واگنر و سایر جنگجویان شرکت نظامی خصوصی را ملزم به سوگند وفاداری به روسیه می‌کند، به سرعت از مرگ پریگوژین بهره برد. پوتین گفت که مسافران هواپیما «سهم قابل توجهی» در جنگ در اوکراین داشته‌اند. ما این را به‌خاطر داریم. ما می‌دانیم و فراموش نمی‌کنیم.»

زیادی برجسته‌ترین آنها بود. یک مقام سابق وزارت دفاع با رد این گمانه‌زنی‌ها مبنی بر اینکه واگنر از ابتدا پروژه اطلاعات نظامی GRU روسیه بوده است، گفت: «من فکر می‌کنم پریگوژین آن را به پوتین ارائه کرد و او موافقت کرد، که این روش کار می‌کند. «ظهور سریع پریگوژین باعث عصبانیت برخی از مقامات وزارت دفاع شد، تنش‌هایی که در طول سال‌ها با گسترش بیشتر عملیات‌های او افزایش یافت. یک لحظه کلیدی برای پریگوژین در اواخر سال ۲۰۱۵ بود که پوتین تصمیم گرفت برای حمایت از رژیم بشار اسد در سوریه مداخله نظامی کند. پریگوژین قراردادهایی را برای غذا و آذوقه به‌دست آورد و همچنین نیروهای واگنر خود را به آنجا اعزام کرد. در سوریه، واگنر ابتدا خود را به عنوان یک نیروی جنگی قدرتمند تثبیت کرد و این گروه نقش برجسته‌ای را در مداخله مسکو ایفا کرد. مبارزان واگنر بدون مجازات در سوریه عمل کردند و به جنایات جنگی متعدد متهم شدند. در یک حادثه، مردانی که با واگنر مرتبط بودند در حال بریدن سر و تکه تکه کردن یک مرد سوری به تصویر کشیده شدند. سپس او به نقش داشتن در انتخابات آمریکا متهم شد. پریگوژین در این مرحله هنوز یک شخصیت عمیقاً مخفی بود، روزنامه‌نگاران روسی که فعالیت‌های پریگوژین را بررسی می‌کردند نیز با تهدید یا ارباب مواجه می‌شدند. از همه شوکه‌کننده‌تر، سه روزنامه‌نگار روسی که در سال ۲۰۱۸ برای تحقیق در مورد فعالیت‌های واگنر به جمهوری آفریقای مرکزی سفر کردند، در یک کمین که به نظر می‌رسید به‌خوبی برنامه‌ریزی شده و هماهنگ شده بود، کشته شدند. در این زمان، فعالیت‌های پریگوژین به حداقل ۱۰ کشور در آفریقا گسترش یافته بود.

پریگوژین اگرچه هیچ مقام رسمی نداشت، اکنون مکرراً در جلسات سطح بالای مربوط به قراردادهای دفاعی شرکت می‌کرد. او حتی در آوریل ۲۰۱۸ در یک دیدار دوجانبه بین پوتین و رئیس جمهور ماداگاسکار، هر راجاؤنارایمپیانینا، در کرملین شرکت کرد، دیداری که منتشر نشد اما نیویورک تایمز در مورد آن گزارش داد. در واقع، پوتین اعتراف می‌کرد که پریگوژین برای او همان چیزی است که او به اشتباه فکر می‌کرد سوروس برای دولت ایالات متحده است: ابزاری برای مداخله در خارج از کشور در حالی که قابلیت انکار قابل قبول را حفظ می‌کند. تصمیم سرنوشت‌ساز پوتین برای انجام یک حمله تمام‌عیار به اوکراین در فوریه سال گذشته، الزام انکار قابل قبول را حذف کرد. پریگوژین پس از سال‌ها انکار ارتباط با واگنر، پیروزمندانه در سپتامبر اعلام کرد که این گروه را در سال ۲۰۱۴ تأسیس کرده است. در ماه‌های اخیر، پریگوژین مکرراً بیانیه‌هایی را منتشر کرده است که در آن به خائنان فرضی در نخبگان سیاسی حمله می‌کند که در خارج از کشور تعطیلات می‌گذرانند و رویای شکست روسیه در جنگ را می‌بینند. پریگوژین ادعا داشت که در دولت پوتین بسیاری هستند که می‌خواهند «در مقابل عمو سام به‌زانو در بیایند». پریگوژین پس از انتقاد شدید از تهاجم به اوکراین به عنوان جنگ غیر ضروری و مبتنی بر فرضیه‌های نادرست، شورش مسلحانه علیه رهبری نظامی روسیه را رهبری کرد. او در رأس هزاران سرباز مزدور، کنترل مقر نظامی جنوب روسیه در روستوف-آن-دون، مرکز رسمی فرماندهی تهاجم را به‌دست گرفت و خواستار استعفای وزیر دفاع شد. رئیس ستاد سپس ستونی از نیروها و تانک‌ها را در بزرگراه اصلی به سمت مسکو فرستاد. این ستون توسط هلیکوپترهای وفادار به پوتین مورد حمله قرار گرفت و تعدادی از آنها سرنگون شدند. در عرض چند ساعت توافقی منعقد شد که در آن پریگوژین به نام جلوگیری از خونریزی بیشتر که می‌توانست به جنگ داخلی منجر شود، شورش خود را لغو کرد. افراد او اجازه یافتند به اردوگاه‌های خود در شرق اوکراین تحت اشغال روسیه بازگردند، در حالی که

موسیقی آمریکا از دیدگاه سیدنی فینکلشتاین



محمد هادی خوشکلام

mohammadhadikhohkalam95@gmail.com

گاه گاهی از پذیرفتن حالت انفعالی مطلوب آن موسیقی سر باز زده اند جالب توجه است. نوآوری سالم راهش را باز کرده است و موجب شکل گیری مجموعه فرمول هایی تازه شده است.

موسیقی مردمی نمی تواند پاسخ گوی تمام نیازهای موسیقایی یک کشور باشد. زیرا تمام استعدادهای درخشانی که گاه گاه خودنمایی می کنند در کنار داستان های کارآگاهی، گاوچرانی و علمی تخیلی می توانند نیازهای ادبی یک کشور را برآورده سازند. موسیقی هنری در هیچ کشور دیگری از شکافی که بین خودش و موسیقی قومی و مردمی وجود دارد تا این اندازه صدمه نخورده است. در این کشور هنر موسیقی دو نیم شده است و هیچ یک از دو نیم یاد شده نمی تواند نقش کل یا موسیقی کامل را ایفا کنند. آفرینندگان موسیقی مردمی معمولاً بر اثر کار کردن با ابزارهای ابتدایی و فرمول های قابل تکرار، بر استعدادهای خود مهار می زنند، در حالی که بهترین آفرینندگان موسیقی چون زبان موسیقایی قابل فهمی داشته اند که از مردم و موسیقی قومی همان مردم ریشه گرفته بود آن را گسترش دادند و تکمیل کردند. آهنگ سازها طرز انطباق موسیقی بر کلام آمریکایی را آموختند و این هنری بود که کمتر آهنگ سازی می توانست به راحتی از عهده اش بر آید.



ایالات متحده آمریکا را اگر بخواهیم از روی موسیقی تصنیف شده اش در فرم های بزرگ مانند اپرا سمفونی و موسیقی مجلسی قضاوت کنیم می توان کشوری غیر موسیقایی نامید.

این موسیقی هنری یا موسیقی کلاسیک، مدت هاست که در آمریکا لنگان لنگان به راهش ادامه می دهد و خیلی ها آن را تقلیدی از یک هنر تجمیلی وارداتی، مانند تابلوهای شاهکار قدیمی نصب شده در موزه ها دانسته اند. آهنگ سازان ما هیچ گاه اثر یا آثاری نیافریده اند که در نظر مردم آمریکا یا شنوندگان کشورهای دیگر عنوان مهم به آن داده شده باشد، اما این کشور بسیار موسیقی خیز است، و نبوغ ستم دیده ترین و محروم ترین مردم این کشور یعنی سیاهان، موسیقی قومی جدید و هیجان انگیزی مانند آوازهای دینی و بلوز را پدید آورد. در سده بیستم، با الهام گیری از سیاهان، در درجه اول آمریکا، یک موسیقی «مردمی» یا عامه پسند با تحرک و سرزندگی فوق العاده تولید کرد که به تمام کشورها راه یافته است. موسیقی قومی را امروزه می توان گونه ای از موسیقی دانست که از هر منشائی که برخاسته باشد، به گروهی از مردم تعلق دارد و مردم نیز آن را به عنوان بخشی از زندگی مشترک خویش به کار می گیرند و هرگز کامل یا «تمام شده» نیست. آوازهای قومی از یک اجرا به اجرای دیگر تفاوت پیدا می کنند. از کنار هر آواز قومی و گونه هایش آوازهای دیگر سر بر می آورند.

موسیقی «مردمی» از فرم های تمام شده و کامل ساخته می شود و آفرینندگان مشخصی داشته و برای سرگرمی اجتماعی مردم به کار گرفته می شود، اما موسیقی هنری را آهنگ سازی تولید می کنند که می کوشند آن را برای روزگار خودشان بازسازی کنند و این را از مکتب میراث موسیقی کهن خود دریافت می کنند. مرز میان این حوزه های موسیقی همیشه ناپایدار بوده است و همگام با تغییرات اجتماعی تغییر یافته است، در دوره رنسانس موسیقی ظریف غیر کلیسایی، به عنوان موسیقی مردم در همه جا گسترش یافت و سپس در دوره باروک و نخستین دوره های کلاسیک، آفرینندگان آثار بزرگ نیز گاهی از موسیقی سبک حتی به عنوان بخشی از آثار فاخر خود برای سرگرمی مردم تصنیف می کردند.

در رشته موسیقی مردمی، خبری از متخصصان یا خبرگان این هنر نبود، تا آنجا که در سده نوزدهم، ناشران آثار موسیقی را عمدتاً به عنوان کالایی برای مصرف مردم تولید می کردند. در آمریکا حرفه تصنیف موسیقی مردمی به عامل مهمی در زندگی موسیقایی کشور تبدیل شده است. هدف مؤسسات سودجوی خصوصی، هدایت و کنترل سلیقه های عمومی و شکل موسیقی است و به همین علت آهنگ سازی را استخدام می کنند که به دنبال فرمول های زنده می روند، نه آهنگ سازی که به کل هنر موسیقی و نمایش، با معنی تمام، و جزئیات ضرور این هنر علاقه مندند. ولی تاریخ این موسیقی مردمی، با نبوه استعدادهایی که در اختیار داشته است و سیل هایی از موسیقی بد و مبتنی بر فرمول های مردم که از آن سرازیر شده است از این دیدگاه که نشان می دهد مردم چگونه



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹
۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

شعر به مثابه آزادی

سال‌ها پیش، هر ماه که مجله آدینه بیرون می‌آمد اولین کارمان این بود که جدیدترین شعر شاملو را بخوانیم. شعرهایش روح زمانه بود و انعکاسی از وقایع روز. شوربختانه امروزه دیگر شاعری را نمی‌شناسیم که این چنین آیینۀ تمام‌نمای رنج و اندوه روزگارمان باشد. پس باز هم به شاملو پناه می‌بریم.

جخ امروز
از مادر نزاده‌ام
نه

عمر جهان بر من گذشته‌است.

نزدیک‌ترین خاطره‌ام خاطره‌ی قرن‌هاست.
بارها به خونمان کشیدند
به یاد آر،

و تنها دست آورد کشتار
نان پاره‌ی بی‌قائقی سفره‌ی بی‌برکت ما بود.

اعراب فرییم دادند
بُرج موریانه را به دستان پُرپینه‌ی خویش بر ایشان در گشودم،
مرا و همگان را بر نطع سیاه نشاندد و
گردن زدند.

نماز گزاردم و قتل عام شدم
که رافضی‌ام دانستند.
نماز گزاردم و قتل عام شدم
که قِرمطی‌ام دانستند.

آنگاه قرار نهادند که ما و برادرانمان یکدیگر را بکشیم و این
کوتاه‌ترین طریقِ وصول به بهشت بود!

به یاد آر
که تنها دست آورد کشتار
جُل پاره‌ی بی‌قدر عورت ما بود.

خوش‌بینی برادرت تُرکان را آواز داد
تو را و مرا گردن زدند.
سفاهت من چنگیزیان را آواز داد
تو را و همگان را گردن زدند.
یوغ ورزاو بر گردنمان نهادند.
گاواهن بر ما بستند
بر گرده‌مان نشستند
و گورستانی چندان بی‌مرز شیار کردند
که بازماندگان را

هنوز از چشم
خونابه روان است.

کوچ غریب را به یاد آر
از غربتی به غربت دیگر،
تا جستجوی ایمان
تنها فضیلت ما باشد.

به یاد آر:
تاریخ ما بی‌قراری بود
نه باوری
نه وطنی.

نه،
جخ امروز
از مادر
نزاده‌ام.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲

وقتی پسری می میرد

نمایشنامه: لانه خرگوش

نویسنده: دیوید لیندزی

کارگردان: فریبرز کریمی

نمایش درباره خانواده‌ای است که ۸ ماه است پسر چهار ساله اشان در اثر تصادف رانندگی مرده است و آنها هنوز مشغول دست و پنجه نرم کردن با این ماجرا هستند.

نمایش نامه لانه خرگوش نمایش ریزبینانه و هنرمندانه‌ای است درباره احساس هم‌دردی میان انسان‌هایی که در سایه وسعت این بال و پر، متحمل دردی فراموش نشدنی شده‌اند و نویسنده قصد دارد ما را با تجربه این درد و رنج آشنا کند ولی این آشنایی چنان هوشیارانه با طنز در آمیخته که هرگز به اندوه خواننده نمی‌انجامد.

در ابتدا باید بگوییم که با اثری روبه‌رو هستیم که به موضوعی آشنا برای خواننده می‌پردازد: "مرگ فرزند" اما آنچه که این اثر را از دیگر آثار هم محتوا متمایز می‌سازد به دو دسته تقسیم می‌گردد اول اینکه نویسنده به این اثر تراژیک ماهیتی طنز آمیز هر چند کم‌رنگ همراه کرده دوم اینکه نمایشنامه سراسر پاسخ به این مسئله است که چگونه هر فرد با چنین پیش آمد ناگواری کنار می‌آید.

از آنجاکه بکا برخلاف دیگران که برای تسلی خود توجیهاتی از قبیل شانس تقدیر و اقبال روی می‌آورند به دنبال توجیهات فیزیکی و علمی از قبیل دنیاهای موازی و مباحث فیزیکی روی می‌آورد.

هر چند تا آخر نمایش کمی برای خواننده این موضوع حل نشده می‌ماند که چرا بکا با فردی که در تصادف پسرش را کشت چندین بار ملاقات می‌کند؟ دنبال چه چیزی در او می‌گردد...



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹۵

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲



و آسمانی که بسیار مان نمی بینیم!



زهره رحیمی

RAHIMI_ZOZO2003@yahoo.com

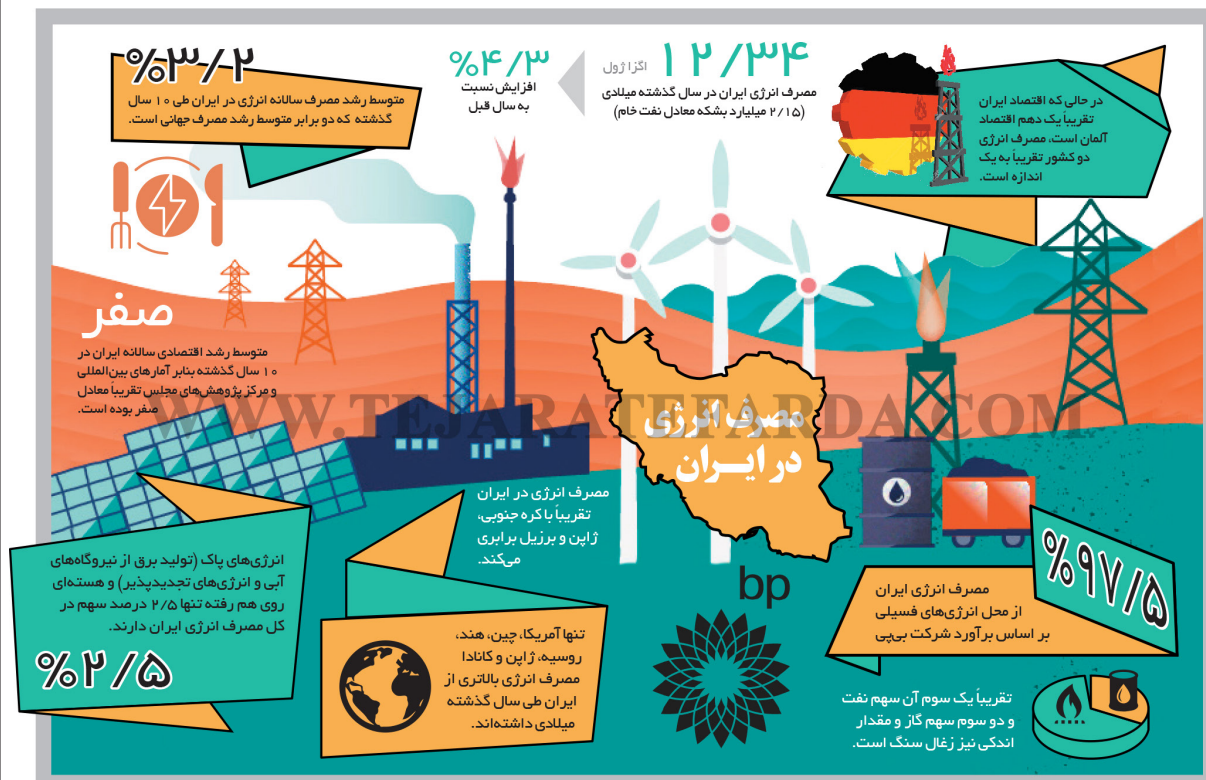
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲



تلسکوپ فضایی جیمز وب سحابی با جزئیات بی سابقه‌ای، حلقه معروف سحابی را رصد و برای جهانیان منتشر نمود. ستاره‌ای که لایه‌های بیرونی خود را با تمام شدن سوختش به بیرون پرتاب می‌کند. تقریباً ده قوس متحدالمرکز درست فراتر از لبه بیرونی حلقه اصلی قرار دارند. «سحابی حلقه»، نوعی باستان شناسی نجومی را آشکار می‌کند، زیرا ستاره‌شناسان با مطالعه آن، پیرامون ستاره‌ای که آن را ایجاد کرده، می‌آموزند. این سحابی شبیه یک دونات است با بشکه‌ای از مواد رنگارنگ، که دور می‌شوند. مرکز این دونات خالی به نظر می‌آید، اما در واقع پر از مواد با چگالی کمتر است. حلقه‌های رنگارنگ متشکل از گاز پرتابی توسط ستاره در حال مرگ در مرکز سحابی است. این ستاره در مسیر تبدیل به یک کوتوله سفید است. جسمی بسیار کوچک، متراکم و داغ که آخرین مرحله تکاملی برای ستاره‌ای همچون خورشید خواهد بود. تلسکوپ فضایی هابل رصد «سحابی حلقه» را در سال ۲۰۱۳ منتشر کرد و از آن زمان به بعد این تصویر به یکی از شناخته شده‌ترین تصاویر رصدخانه تبدیل شده است.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲



مهشید قاسمی

gha3mg.m@gmail.com

توسعه پایدار؛ صنعت، نوآوری و زیرساخت

پیشرفت اقتصادی یعنی میزان تولید و مصرف باید به سمت پایداری و استفاده مجدد حرکت کند، گسترش منابع انرژی تجدیدپذیر، رونق کسب و کار... که نیازمند داشتن زیرساخت کافی و مناسب است. توسعه زیرساخت نیز بدون سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر نخواهد بود.

سرمایه‌گذاری در نوآوری و زیرساخت‌ها، محرک اصلی رشد و توسعه اقتصادی می‌باشد، به‌ویژه در حال حاضر که نیمی از جمعیت جهان شهرنشین شده‌اند و رشد صنایع و فناوری‌های نو اهمیت بیشتری پیدا کرده است. توسعه زیرساخت‌های ارتباطی و دسترسی به اینترنت برای دستیابی به اطلاعات و دانش روز و تعامل افراد برای تقویت نوآوری و کارآفرینی اهمیت ویژه‌ای دارد. پیشرفت صنعت موجب بهبود کیفیت زندگی می‌شود که تأثیر مثبتی بر حفظ محیط زیست نیز خواهد گذاشت.

توسعه صنعت، نوآوری و تأمین منابع ملی برای رسیدن به اهداف توسعه پایدار در هر جامعه‌ای ضروری است. پیشرفت صنعت و نقش آن بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و محیط زیست از مباحث مهم سیاست‌گذاری برای توسعه پایدار می‌باشد، صنعتی شدن در راستای توسعه پایدار می‌تواند همراه با نوآوری و توسعه زیرساخت‌ها باشد که در نهایت موجب رونق اقتصادی، ایجاد اشتغال و افزایش درآمد شود. همچنین با توجه به رقابتی بودن صنعت و تکنولوژی، دولت‌ها باید زیرساخت‌های لازم برای نوآوری و کاربردی کردن ایده‌های جدید را فراهم آورد. از مهم‌ترین زیرساخت‌های توسعه صنعت، گسترش سرمایه‌گذاری و ارائه خدمات عمومی است که با مشارکت بخش خصوصی باید فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی کشور را توسعه داد، از این رو سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران اقتصادی در دولت‌ها توجه ویژه‌ای به علم و فناوری دارند.

در کشورهای در حال توسعه.

۴. ارتقای زیرساخت و مقاوم سازی صنایع برای پایدارسازی آن ها با افزایش بهره‌وری استفاده از منابع و به کارگیری بیشتر فناوری ها و فرایندهای صنعتی پاک و سازگار با محیط زیست همراه با اقدام همه کشورها بر اساس توانایی آن ها تا ۲۰۳۰.

۵. بهبود پژوهش علمی و ارتقای توانایی های فناوری در بخش های صنعتی در تمام کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه؛ از جمله تشویق نوآوری و افزایش چشمگیر تعداد کارکنان بخش پژوهش و توسعه به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت و هزینه عمومی و خصوصی پژوهش و توسعه تا ۲۰۳۰.

۶. تسهیل زیرساخت پایدار و تاب آور توسعه در کشورهای در حال توسعه از راه حمایت های بهبود یافته مالی، فنی و فناورانه به کشورهای افریقایی، کمتر توسعه یافته، کشورهای محصور در خشکی و کشورهای جزیره ای کوچک در حال توسعه.

۷. حمایت از توسعه فناوری داخلی، پژوهش و نوآوری در کشورهای در حال توسعه از جمله به وسیله تضمین فضای سیاست گذاری سودمند، شامل تنوع صنعتی و ارزش افزوده برای کالاها.

۸. افزایش چشمگیر دستیابی به فناوری اطلاعات و ارتباطات و تلاش برای فراهم کردن دسترسی جهانی و مقرون به صرفه به اینترنت در کشورهای کمتر توسعه یافته تا ۲۰۲۰.

سرمایه گذاری در زیرساخت هایی همچون حمل و نقل، انرژی و فناوری اطلاعات در جوامع امروزی در اولویت قرار دارد.

ایران پتانسیل بالایی برای رشد اقتصادی بر پایه دانش و نوآوری دارد که نیازمند تقویت، سرمایه گذاری و اقدامات سیاسی قطعی می باشد. درآمد حاصل از انرژی (نفت و گاز) و سایر درآمدهای ملی را می توان برای سرمایه گذاری در زمینه مدرن سازی زیرساخت های صنایع اختصاص داد. پیشرفت صنعت و ارتقا فناوری نیروی محرک برای رشد اقتصادی، کاهش فقر و توسعه نیروی انسانی است. حمایت از شرکت های دانش بنیان، استارت آپ ها و کسب و کارهای نوآورانه از جمله اقدامات پیشنهادی در راستای چشم انداز توسعه کشور می باشد. اهداف توسعه پایدار برای صنعت، نوآوری و زیرساخت شامل موارد زیر می باشد:

۱. توسعه زیرساخت باکیفیت، مطمئن، پایدار و تاب آور از جمله زیرساخت منطقه ای و فرامرزی، برای حمایت از توسعه اقتصادی و رفاه انسانی با تمرکز بر دسترسی مقرون به صرفه و برابر برای همه.

۲. گسترش صنعتی شدن فراگیر و پایدار؛ و افزایش چشمگیر سهم صنعت از اشتغال و تولید ناخالص داخلی همسو با شرایط ملی، و دو برابر شدن سهم آن در کشورهای کمتر توسعه یافته تا ۲۰۳۰.

۳. افزایش دستیابی بنگاه های کوچک صنعتی و بنگاه های دیگر به خدمات مالی از جمله اعتبار پرداخت پذیر و ادغام آن ها با زنجیره ها و بازارهای ارزش به ویژه



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۹

۱۵ شهریور سال ۱۴۰۲





سازمان آگهی

برای درج تبلیغات خویش، پوستر طراحی شده را
به آدرس پایین ایمیل

Hgolami1367@gmail.com

و یا

به شماره زیر از طریق واتساپ ارسال نمائید

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵

خاطرات سیاسی

www.khsmag.ir



انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است



برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس گرفته و آدرس مورد نظر را اعلام فرمایید.

برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمایید.

انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است

خوانشی نوین: مردم سالاری اجتماعی

بنیان‌های مردم سالاری اجتماعی (سوسیال دموکراسی)



نویسندگان: توبیاس گومبرت و همکاران
مترجم: زهره رحیمی

برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس گرفته و آدرس مورد نظر را اعلام فرمایید.

برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمایید.

انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است



یک خوشه نور

اکبر صمدی

برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس گرفته و آدرس مورد نظر را اعلام فرمایید.

برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمائید.

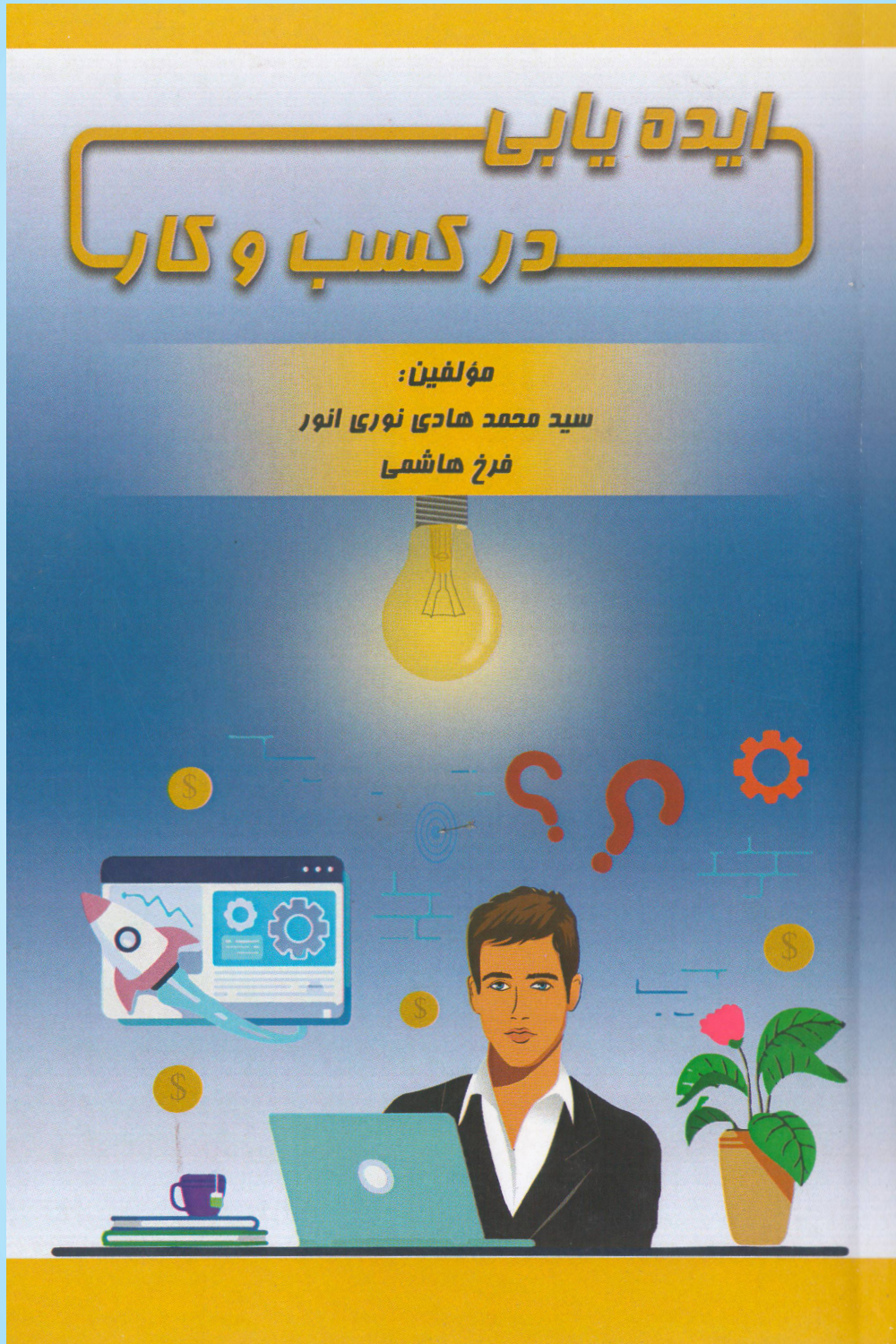
انتشارات شیرازه منتشر کرده است



انتشارات السانا منتشر کرده است



انتشارات ایزد راد منتشر کرده است



انتشارات نشر گام اول منتشر کرده است

